





مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به آثاری از استاد شهید

جلد دوم

۱۳۹۵

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: نگاهی به آثاری از استاد شهید، جلد ۲؛

عنوان فرعی: چند نیشته در مورد آثار استاد شهید؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروفنگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

سال چاپ: ۱۳۹۵ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل، افغانستان؛

یادداشت: این اثر، مجموعه مقالات و سخنرانی‌هایی است که در دومین محفل

رونمایی برخی از آثار رهبر شهید به خوانش گرفته شده بود؛

موضوع: زندگی‌نامه؛

طرح جلد و برگ‌آرایی: عصمت‌الله احراری؛

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه؛

شمار برگه‌ها: ۱۳۴؛

قطع: رقعی؛

بها: ۱۰۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

آدرس ایمیل: sh.rabbani1390@gmail.com

حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست

مقدمه	۱۱
سخنرانی محترم عبدالهادی ارغندیوال	۲۱
سخنرانی محمدیونس قانونی؛ معاون پیشین ریاست جمهوری	۲۹
چهره‌نگاری بنیان‌گذار نهضت پوهنمل استاد شاداب	۳۹
نگاهی به رسالهٔ یادی از دو شهید؛ عبدالوهاب عمار	۴۹
استاد نویسنده.. دکتور محی‌الدین مهدی	۵۷
نگاهی به «پیغام رهبر، جلد اوّل»؛ حجة الإسلام سید هادی هادی	۶۹
نگاهی به «خط رهبر جلد چهارم»؛ سیده مژگان مصطفوی	۷۷
نگاهی به «جلد چهارم خط رهبر» عبدالوهاب عمار	۹۱
سخنرانی صلاح‌الدین ربانی؛ وزیر امور خارجه و رئیس جمعیت اسلامی	۱۱۵
دعایهٔ مولوی شفیع‌الله نورستانی	۱۲۳
رویکردها	۱۲۹

مقدمه

چنان‌که در مقدمهٔ جلد اوّل، «نگاهی به آثاری از استاد» گفتیم، افغانستان در شامگاه ۲۹ سنبله ۱۳۹۰ شاهد شهادت مردی بود که یک عمر برای آزادی و آرام‌زیستن مُبارزه کرد. راهروان استاد به حمدالله که - پس از شهادتِ او - دست به زنج شیون و زاری نگذاشتند؛ بلکه گام‌هایی را در مسیر بالندگی راه و اندیشهٔ استاد برداشتند. یکی از کارهایی که در این باب شد، این بود که مرکزی برای تدوین آثار رهبر شهید، توسط صلاح‌الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر خارجهٔ کشور ایجاد شد؛ تا اندیشه‌های بلند او را چنان‌که شایستهٔ اوست عرضه کنند.

الحمد لله که این کار شد و در مدت چهار سالی که گذشت، این مرکز توانست، «۱۲» اثر او و یک اثر در مورد او و یک اثر در پیوند به آثارش را تقدیم دوستداران اندیشه‌های پاک و بلند او کند.

و اکنون الحمد لله افزون بر این اثری که فراچنگ شماسست «پنج اثر» دیگری از ایشان را باز هم تقدیم جامعهٔ کتاب‌خوان خویش می‌کنیم؛ اما اثری را که شما در دست دارید. محصول «دوّمین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید» است که در آن، این آثار استاد توسط استادان

و فرهیختگان کشورمان به مُعرَفی گرفته شده بود. اینک ما آن سخنان و نوشته‌ها را پس از ویرایش و تحشیه تحت عنوان: «نگاهی به آثاری از استاد شهید» جلد دوم، به خدمت‌تان قرار می‌دهیم.

نگاه کوتاه به آثار چهارده‌گانه:

۱. آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:

- مسئولیت دعوت در حرکت؛
 - دعوت در داخل تنظیم؛
 - مشکلات در راه دعوت؛
 - برخورد با مشکلات؛
 - دعوت و فعالیت پیگیر؛
 - ضرورت‌ها و صفات اولی یک مسلمان مبارز؛
 - نیازمندی‌های عقلی و نفسی؛
 - صفات اخلاقی و سلوکی؛
 - سلوک ضروری در جریان پخش تیوری؛
 - طبیعت و خواص دعوت اسلامی؛
 - لزوم برنامه‌ریزی در جهت پیروزی هدف و آرمان.
۲. چه نوع مُبارزه؟ این اثر - نیز - حاوی مطالب ذیل است:
- آشنایی به مفهوم مُبارزه؛
 - خلوص نیت در مُبارزه؛
 - هوشیاری در مُبارزه؛
 - استقامت در مُبارزه.

۳. محمّد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:

- محمّد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت؛

- ابوبکر ~ یارِ راستین پیامبر Y ؛
- عمر ~ دوّمین فرزند مکتب دوران‌ساز و حیات‌آفرین اسلام؛
- عثمان ~ فداکار سنگر پرافتخار ایمان؛
- علی ~ گران‌مایه‌ترین شاگرد مکتب اسلام و نخستین فدایی راه حق.
- ۴. سکوت وحشتناک؛ این اثر - نیز - مطالب ذیل را در خود دارد:
 - سکوت وحشتناک در برابر فاجعه خونین مَلّت مُسْتَضْعَفِ افغان؛
 - پیام به مردم مسلمان افغانستان؛
 - داستان حلّ سیاسی.
- ۵. اسقلاطیت انقلاب؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:
 - اراده مستقل؛ گوهر انسانیت است؛
 - هشدار از فرصت‌طلبان و مزدوران؛
 - نمونه‌های از فرصت‌طلبی‌ها در تاریخ جهان اسلام؛
 - وابستگی؛ آفت انقلاب‌ها؛
 - جهاد در افغانستان؛
 - امریکا و جهاد افغانستان؛
 - موقف سازمان‌های اسلامی، از جهاد افغانستان؛
 - رهبرتراشی بیگانگان؛
 - انقلاب ما نیازی به کفیل ندارد؛
 - پیامدهای ناگوار وابستگی؛
 - وابستگی سیاسی.
- ۶. خط رهبر جلد اوّل؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۹۰ رهبر شهید؛
حاوی خطابه‌های ذیل است:
 - سخنرانی در اجلاس بیداری اسلامی؛
 - سخنرانی در معینیت امور جوانان؛

- سخنرانی در کنگرهٔ مقدّماتى جمعیت اسلامى افغانستان؛
- سخنرانی در اکادمى علوم افغانستان؛
- سخنرانی در شورای علمای افغانستان؛
- سخنرانی در دهمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور؛
- سخنرانی در مراسم فاتحه خوانی شهید عبدالرحمن سیّد خیلی؛
- سخنرانی در مراسم تشییع جنازهٔ شهید جنرال محمد داود داود و شاه جهان نوری؛
- سخنرانی به مناسبت درگذشت آیت الله تقدّسى؛
- سخنرانی در مراسم سوگواری احمدولی کرزى؛
- سخنرانی در جمع مهاجرین افغان در آلمان.
- ۷. خط رهبر جلد دوم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۹ رهبر شهید، حاوی خطابه‌های ذیل است:
- سخنرانی در مورد تحولات خاورمیانه؛
- سخنرانی به مناسبت اخراج روس‌ها از افغانستان؛
- سخنرانی در ولسوالی جرم ولایت بدخشان؛
- سخنرانی در میان اعضای جمعیت اسلامى افغانستان؛
- سخنرانی در همایش تجلیل از هفتمین سالگرد قانون اساسی؛
- سخنرانی در نهمین سالگشت شهادت قهرمان ملی احمدشاه مسعود؛
- سخنرانی در اوّلین سالگشت شهادت داکتر عبدالله لغمانی؛
- سخنرانی در ولایت هرات؛
- سخنرانی در مهمانی نخست‌وزیر پاکستان؛
- سخنرانی در همایش نقش علمای دینی در توحید امت؛
- سخنرانی در همایش مقدّماتى جمعیت اسلامى؛
- سخنرانی در سالگشت وفات امام خمینی؛

- سخنرانی در جرگه صلح؛
- سخنرانی در افتتاح سرک ولایت بدخشان؛
- سخنرانی در میان مردم تخار؛
- سخنرانی در اجلاسی در شورای علمای افغانستان؛
- سخنرانی در همایشی در جامعه مدنی؛
- سخنرانی در محفلی در ولایت کابل؛
- سخنرانی در ولسوالی یفتل پایان ولایت بدخشان؛
- سخنرانی در ولایت خوست؛
- سخنرانی در ولایت ننگرهار.
- ۸. خط رهبر جلد سوم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۸ رهبر شهید؛
حاوی خطابه‌های ذیل است:
- سخنرانی رهبر شهید در مراسم بزرگداشت از امام جعفر صادق ~ ؛
- سخنرانی رهبر شهید در مراسم بزرگداشت از روز عاشورا؛
- سخنرانی رهبر شهید در مراسم فاتحه یکی از قومندانان جهادی ولایت لغمان؛
- سخنرانی رهبر شهید در افتتاحیه مسجدی در بازارک ولایت پنجشیر؛
- سخنرانی رهبر شهید به مناسبت سالگشت شهید سید مصطفی کاظمی؛
- سخنرانی رهبر شهید در همایش فراغت حافظان قرآن کریم؛
- سخنرانی رهبر شهید به مناسبت افتتاح یکی از مؤسسات تحصیلات عالی کشور؛
- سخنرانی رهبر شهید در همایش انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله؛
- سخنرانی رهبر شهید در افتتاح معهد الأهر.
- ۹. همگام خورشید، چند نبشته در مورد رهبر شهید؛ این اثر حاوی

مطالب ذیل است:

- استاد برهان‌الدین ربانی؛ متفکر و دعوتگر سترگ قرن بیست؛
- ریشه‌های فکری استاد و نقش او در مُعرَفی نهضت اسلامی
افغانستان؛

- از یادها و خاطره‌های رهبر شهید جهاد، مُقاومت و صلح بردباری
و دگرپذیری؛

- استاد ربانی فراتر از جمعیت؛
- شکوه جنگل؛ درنگی بر کارنامه شهید استاد ربانی؛
- نظر کوتاه و گذرا بر ابعاد شخصیت شهید صلح استاد برهان‌الدین
ربانی؛

- جلوه‌ای از تازگی‌های دانش دینی رهبر شهید G ؛

- استاد ربانی شهید رهبر مبارزات و محور تحولات؛

- شُکوه عاطفه؛

- مُبارزه او دعوت د ارواح بنیاد استاد ربانی له نظره؛

- روسانو سره د شهید استاد ربانی د سولی د مذاکراتو لندیز؛

- یادواره؛

- استاد ربانی و نیم‌قرن مُبارزه؛

- سیاست خارجی دولت استاد ربانی، ۱۳۷۱ - ۱۳۸۰ هـ.ش؛

- اخیراً ربانی کیست و ربانیت چیست؟.

۱۰. قیام توفنده در قلب کشور؛ در اصل سخنرانی است، در مورد
قیام سوّم حوت که در سال ۱۳۵۷ هـ.ش، در کابل به راه انداخته شده
بود.

۱۱. یادی از دو شهید؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:

۱. فصل نخست: «یادی از استاد غلام‌محمد نیازی شهید»؛

- درآمد؛

- فعالیت‌های تعلیمی؛

- فعالیت‌های اداری؛
- فعالیت‌های سیاسی.
- ۲. فصل دوم: پیغام شهید؛ (یادی از انجینیر حبیب الرحمن شهید؛ نخستین منشی جمعیت اسلامی افغانستان).
- ۱۲. خط رهبر جلد چهارم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۷ رهبر شهید؛ حاوی خطابه‌های ذیل است:
- سخنرانی در کنفرانس اعلام مواضع جمعیت؛
- سخنرانی در شهرستان نهرین ولایت بغلان؛
- سخنرانی در کنفرانس مجمع ملی جوانان افغانستان؛
- سخنرانی در همایش هفتمین سالروز شهادت قهرمان ملی؛
- سخنرانی در دومین اجلاس اخوت اسلامی؛
- سخنرانی در مراسم افتتاح مسجد حضرت بلال ~ ؛
- سخنرانی در همایش سالگشت شهدای پانزدهم عقرب بغلان؛
- سخنرانی به مناسبت سالگرد شهادت عبدالحی حقجو، آمر عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت بغلان؛
- سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی اخوت اسلامی افغانستان؛
- سخنرانی به مناسبت روز عاشورا، در مسجد محمدیه؛
- سخنرانی به مناسبت روز عاشورا؛ در مسجد عیدگاه؛
- سخنرانی در مراسم یادبود عاشورای حسینی؛
- سخنرانی به مناسبت فراغت دانشجویان دانشکده شرعیات؛
- سخنرانی در گردهمایی جوانان جمعیت اسلامی افغانستان؛
- سخنرانی به مناسبت بزرگداشت از قیام سوم حوت ۱۳۵۸ هـ ش؛
- سخنرانی به مناسبت میلاد خجسته رسول آزادی Y ؛
- سخنرانی در میان مردم ننگرهار.
- ۱۳. پیغام رهبر جلد اول؛ مجموعه پیام‌های رهبر شهید، حاوی مطالب ذیل است:

- خطاب به مجاهدین سر به کف جمعیت؛
- خطاب به دانشجویان مسلمان؛
- پیام نوروزی؛
- پیام‌های عیدی؛
- ۱. به مناسبت عید سعید فطر؛
- ۲. به مناسبت عید سعید اضحی؛
- ۳. به مناسبت حلول عید سعید فطر؛
- ۴. به مناسبت عید سعید فطر.
- به مناسبت ششمین سالگرد قیام افتخارآفرین؛
- در پیوند به حق خودارادیت ملت مظلوم آذربایجان و تاجیکستان؛
- عنوانی کنفرانس صدوپنجاهمین سال تأسیس دارالعلوم دیوبند، در شهر پشاور پاکستان؛
- به مناسبت هفتمین سالگرد شهادت قهرمان ملی و هفته شهید؛
- به مناسبت وفات امام خمینی؛ رهبر انقلاب اسلامی ایران؛
- ۱۴. نگاهی به آثاری از استاد شهید؛ جلد نخست، حاوی این مطالب است:
- مقدمه؛
- سخنرانی دکتر سید مخدوم رهین؛ وزیر اطلاعات و فرهنگ؛
- سخنرانی داکتر عبدالله عبدالله؛
- سخنرانی استاد محمد محقق؛
- نگاهی به: همگام خورشید، (چند نبشته در مورد رهبر شهید)؛
- در حاشیه «آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی»؛
- سخنرانی میر آقا حقجو؛
- نگاهی به کتاب: چه نوع مبارزه؟؛
- سخنرانی مولوی کمال‌الدین حامد؛
- بازتاب اندیشه‌های استاد، در کتاب خط رهبر جلد اول؛

- نگاهی به خط رهبر جلد دوّم؛
- نگاهی به خط رهبر جلد سوّم؛
- استاد ربانی سیاستمدار متفاوت؛ تأملی بر اثر «سکوت وحشتناک»؛
- نگاهی به قیام توفنده در قلب کشور؛
- د «محمّد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت» اثر ته یوه لنده کتنه؛

- نگاهی به جنبه‌های ادبی آثار استاد شهید؛
- قلم و زبان رهبر؛ نگارش پیراسته و بیان رسالتمند؛
- سخنرانی صلاح‌الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان؛
- دعایه؛ مولوی کفایت‌الله.
- اضافه بر این آثاری که گذشت، در این سال نیز این آثار از «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» راهی چاپخانه شدند:
- ۱- خط رهبر جلد پنجم؛
- ۲- پیغام رهبر جلد دوّم؛
- ۳- رهبر پیغام؛
- ۴- نگاهی به آثاری از استاد شهید، جلد دوّم؛
- ۵- معالّم فی الکفاح، ترجمه چه نوع مبارزه؟ به عربی؛
- ۶- سخنانی از: مرشد روشن ضمیر.

کار ما:

البته کار ما در آثار استاد شهید، این گونه‌است:

در گام نخست؛ پس از پیاده کردن متن نبشته و سخنرانی رهبر شهید از نوار، مطابق به دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح و ویرایش می‌زنیم و از آن بعد در کنار مُعرفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین

رویکردها، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم. اخیراً؛ از همه استادان و فرهیختگانی که به هرنحوی به ما کمکی کردند و دست یاری به ما دراز کردند، سپاسگزاری می‌کنیم و خداوند این همه زحمات‌شان را در میزان حسنات‌شان بیفزاید و به‌خصوص از کسانی که در این همایش رونمایی شرکت ورزیدند و علی‌الأخص از دو برادر عزیز خیرالله خیرخواه و دلاور نسیمی که در کار تدوین و تحشیه یار و یاور مرکز تدوین بودند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم و از الله بزرگ مسئلت داریم که این همه عرق‌ریزی‌های‌شان را درج برگه حسنات‌شان کند.

در کل از شما خواننده عزیز هم که آهنگ خواندن این اثر را کرده‌ای ممنونیم، عزمت را می‌ستاییم و اجرت را بر خدا وا می‌گذاریم.

مرکز تدوین آثار رهبر شهید

سخنرانی محترم عبدالهادی ارغندیوال؛

رئیس حزب اسلامی و وزیر پیشین اقتصاد جمهوری

اسلامی افغانستان؛

در دومین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید؛

مکان: کابل ستار؛

زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۴ هـ.ش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى^۱؛ وبعد:
 فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
 رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ
 وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۲

صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيم.

جلالت مآبان گرامی!

برادران و خواهران مجاهد! جوانان عالی قدر! اهل مطبوعات و

رسانه‌ها!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

امروز زمانی که جناب ربانی صاحب، برایم تلفون کردند؛ تا در این
 همایش شرکت بکنم، وقتی به طرف این مجلس می‌آمدم، در حالی که
 مریض هم بودم، دو نوع احساس متضاد در من ایجاد می‌شد. یکی
 احساس خوشی به خاطر یادبود از برادر عزیز، مجاهد و استاد گران قدر
 و به خاطر اینکه در این محفل پرشکوه، شرف حضور می‌یابم؛

دوم؛ احساس درد و غم و احساس، درد و غمی که نسبت به اوضاع
کشورمان و موقعیت خودمان در قبال قضایای ملی ما، در من ایجاد شده

۱. ستایش از آن الله است و بس و درود و سلام بر بندگان برگزیده او.

۲. احزاب / ۲۳. (از میان مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند، برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنان در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده خود را [تبدیل نکردند].)

بود.

ای کاش! خداوند به ما توفیق عطا می فرمود؛ تا مصداق واقعی آیه مبارکه که قبلاً تلاوت کردم، مصداق آن در وجودمان به تمثیل می نشست:

«از جمله مؤمنان کسانی بودند که با تعهد به پروردگارشان عمل کردند و جام شهادت نوشیدند و کسان دیگری هم هستند که از جمله منتظرین اند که اراده و عزم شان - به خاطر تحقق این هدف - هیچ گونه تغییر و تبدیل نخواهد آمد.»

کاش! ما توفیق این را پیدا می کردیم که واقعاً در راه خدا و در خط سرخ شهدا، همچنان استوار و پایدار حرکت می کردیم و آن گاه احساس شادی و خوشی می کردیم که لحظه ای هم از خطی که خداوند بر ما تعیین کرده - و در آن عزت و شرف، آزادی و آزادی است - دور نشدیم، همین امر، من را رنج داد و از این رو؛ آثاری از خفقان و غم در من ظاهر شد.

به هر حال؛ اگرچه من از جمله فرهنگیان نیستم و در این جا که عزیزان ما اهل قلم و کتاب و فرهنگ اند، حضور دارند. من خود را سزاوار این نمی بینم که در برابر این عزیزان صحبت بکنم؛ ولی از اینکه فرصت را به من دادند، اظهار سپاس و تشکر می کنم و از این مجموعه هم تشکر می کنم که این طور یک مجلس بزرگ و با عظمتی را که ارزش معنوی بزرگ را دارد، تدویر کردند.

اجازه دهید، در ابتدا دعا کنیم:

خدایا!

جایگاه شهدای ما را بهشت برین بگردان؛

خدایا!

تو به ملت ما توفیق و توان حرکت کردن، در خط شهدا را عطا بفرما؛

خدایا!

تو گناهان ما را عفو کن و ما را استقامتِ درست عطا بفرما؛ تا شهدای ما و آرمان‌های‌شان تحقق یافته باشد. در گام بعدی به همه خانواده‌های شهدای عزیزمان تسلیت عرض می‌کنم. استاد شهید خصوصیت‌های بارزی داشت، خداوند این نعمات را در وجودشان از ابتدا ارزانی فرموده بود، مهم‌ترین خصوصیت‌های‌شان این‌هاست:

اوّل؛ تعلیم و تعلّم: استاد، استاد پوهنتون بود. با درس و تعلیمش افراد را ساخت. افرادی که باید به‌خاطر اقامه «حکومت اسلامی» و به‌خاطر تحقق آرمان مردم مسلمان افغانستان، در آینده به‌پا خیزند که به‌پا خاستند، این بزرگ‌ترین نعمت خداوندی بود که برای استاد شهید عطا فرموده بود؛

دوّم؛ هجرت: استاد شهید به‌خاطر تحقق اهداف خود و به‌خاطر رضای خدا و حاکمیتِ دین خدا، کشور خود را ترک گفت و هجرت کرد - که این هم - از نعمات بزرگ دیگری خداوند بود؛

سوم؛ هجرت به‌خاطر جهاد: در جهاد حق علیه باطل، سال‌های سال، استوار و ثابت قدم ایستاد و مبارزات خود را با جمع غفیری از مجاهدین و کسانی را که تدریس کرده بود و راه اسلام را بر آنان نشان داده بود، تعقیب کرد. خداوند همه اینان را مقبول درگاه خود قرار دهد؛ **چهارم؛ شهادت:** آخرین و بزرگ‌ترین و باعظمت‌ترین بخشی از زندگی استاد، با شهادت ختم می‌یابد. این همه صفات بزرگ اسلامی، در وجود استاد شهید تبلور یافته بود.

خداوند به استاد معلّمی، مهاجرت، مجاهدت و بالاخره شهادت را نصیب کردند، این صفات بارزۀ یک مسلمان است. یاد می‌آید، اوّلین باری که همراه انجینیر حبیب‌الرحمن شهید^۱ در پوهنتون کابل، به دفتر

۱. انجینیر حبیب‌الرحمن فرزند صفت‌الله خان، در سال ۱۳۲۹ هـ.ش، در شهرستان نجراب ولایت کاپیسا به دنیا آمد. بعد از اتمام دوره ثانوری، در سال ۱۳۴۹ هـ.ش، شامل دانشکده پولی‌تخنیک کابل شد. این خُردترین عضو «نهضت اسلامی افغانستان» برای بار نخست در زمان رژیم شاهی دستگیر و مدت شش ماه در نظارتخانه کابل باقی ماند و بعداً آزاد گردید.

استاد رفته بودیم، وقتی داخل اطاق شدیم، استاد دروازه را بستند، بعد از آن ما نشستیم و صحبت‌های خود را با ایشان در میان گذاشتیم و بعدش هم که تمام شد، دروازه باز شد و ما هم برآمدیم.

خاطرات بسیار زیادی با استاد شهید دارم که این مجلس گنجایش بازگوکردن آن را ندارد، خدا کند فرصتی پیدا شود که بیشتر بتوانیم در رابطه به استاد شهید نظریات و خاطرات خود را بیان کنیم. یکی از خاطرات خود را خدمت شما می‌گویم و با بازگوکردن آن سخنانم را ختم می‌کنم.

بودند کسانی که پیش استاد می‌رفتند و از استاد احکام می‌گرفتند، استاد هم بنا بر حیایی که داشتند، احکام نوشته می‌کردند. استاد برای کسی نوشته بود که چهارصدوپنجاه میلیون افغانی^۱ برایش موتر دوسیه خریداری شود، من که در آن وقت وزیر مالیه بودم، آن امر را اجرا نکردم. همان نفر به من زنگ زد و گفت: «تو عامل اختلاف می‌شوی و من حتماً پیش استاد می‌روم این گپ را به او می‌گویم.»

من به او گفتم: به خدا قسم است در این وضعیت ملت بیچاره و مظلومی که هیچ چیزی ندارد و از چهره‌های مردم‌شان آثار درد و غم و فقر می‌بارد که اگر هرکسی برایم بگوید، چهارصدوپنجاه میلیون را برای تو موتر خریداری نمی‌کنم.

عصرش رفتم خدمت استاد، گفتم: استاد! یک تعداد احکامی را که

یک دوسیه شده‌اند، پیش خود نگاه کردم، خواستم با خودت در این مورد صحبت بکنم، من این‌ها را اجرا نکردم و هرچه که تهدیدم هم

بار دیگر در قوس ۱۳۵۲ هـ.ش، در زمان رژیم داود خان از «کارتۀ پروان» شهر کابل، حینی که او کارهای تنظیمی و دعوتی را سروسامان می‌داد، توسط عمال داود گرفتار شد و برای چند وقتی در وزارت داخله توقیف بود و بعداً به «زندان دهم‌زنگ» برده شد و شش ماه در آن‌جا در حبس بود؛ تا اینکه در اسد سال ۱۳۵۳ هـ.ش، به عمر ۲۳ سالگی از سوی رژیم داود به شهادت رسید. نگاه: مجله‌ المجاهدون، ۴۶، العدد: ۱۸، رمضان ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.

۱. به پول مروج امروزی «۴۵۰۰۰۰» چهارصدوپنجاه هزار افغانی می‌شود. مرکز تدوین.

کردند، گفتم‌شان نمی‌کنم؛

استاد گفت: بسیار کار خوب کردید، خدا خیرت بدهد، من فرصت این را پیدا نکردم که برایت بگویم: احکامی را که نوشته می‌کنم، بنابر حیای حضور می‌باشد. هوش کنید که آن‌ها را اجرا نکنید، خودت اختیار داری، از آن به بعد تا آخرین زمان، هیچ حکمی آن‌چنانی را من اجرا نکردم.

از استاد من سخت خوش بودم که تا آخرین وقت هم، به من همین صلاحیت را داد و هیچ‌نوع بی‌اعتمادی بین ما وجود نداشت. استاد پیش ما عزیز و گرامی بود و - إن شاء الله - خاطرات استاد همیشه پیش ما عزیز، پایدار و گرامی خواهد بود.

﴿وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱

۱. یونس / ۱۰. ﴿دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نیایش آنان در آن‌جا سبحانک اللهم (خدایا! تو پاک و منزهی) و درودشان در آن‌جا سلام است و پایان نیایش آنان این است که ستایش، ویژه پروردگار جهانیان است).

سخنرانی محمدیونس قانونی؛

معاون پیشین ریاست جمهوری اسلامی افغانستان؛

در دومین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید؛

مکان: کابل ستار؛

زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۴ هـ.ش.

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَادَةِ وَالصَّالِحِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَقَائِدِ
المجاهدين؛^۱ اما بعد:

حضار گرامی! خواهران و برادران ارجمند!
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

در آغاز؛ چهارمین سالگشتِ شهادت رهبر جهاد و مُقاومت، شهید
صلح افغانستان، استاد عزیز را به همه شما عزیزان و ملت بزرگ افغانستان
و كافة اُمّت مسلمه، تسلیت عرض می‌کنم.
دوستان عزیز!

من در صدد مُعرفی سیمای استاد شهید نیستم، شخصیت ایشان
فراتر و بی‌نیازتر از آن است که به تعریف و تصویر گرفته شود؛ اما ذکر
چند نکته را لازمی و اجتناب‌ناپذیر می‌دانم.

ماه سپتامبر است، این ماه نه تنها به مردم مظلوم فلسطین،^۲ سپتامبر سیاه
خوانده شد که برای ملت بزرگ ما، سیاه‌تر است، اگر سرکوب و وحشیانه

۱. به نام پروردگار شهیدان و نیکوکاران، درود و سلام الله، بر سردار آخرین پیغمبران و پیشوای
مجاهدان باد.

۲. فلسطین؛ بخشی از بلاد شام است که در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قاره
بزرگ آسیا، اروپا و افریقا موقعیت دارد. مساحت آن ۶۲۶۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال
۲۰۱۰ م، حدود ۴۳۴۲۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن قدس و
واحد پولی ندارد، بَيْتُ الْمَقْدَس؛ یعنی نخستین قبله مسلمانان و اسراگاه رسول اکرم ﷺ نیز در
آن موقعیت دارد، است. نگاه: لغت‌نامه دهخدا و اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۶.

مبارزین فلسطین در اُردُن،^۱ یک صفحه سیاه را در تاریخ به وجود آورد، حملات تروریستی یازدهم سپتامبر در امریکا صفحه دیگری را به وجود آورد؛ اما دو تاریخ در دل تاریخ افغانستان، سیاه‌ترین روز را به ملت ما هم رقم زد. نهم سپتامبر شهادت قهرمان ملی کشور مسعود بزرگ بود، ۲۰ سپتامبر درست یازده روز بعدتر از آن، شهادت رهبر جهاد و مقاومت افغانستان، از این لحاظ این ماه و این رخدادهایی که در متن این ماه رخ دادند، بی‌تردید ماه سپتامبر، ماه سپتامبر سیاه است.

دوستان عزیز!

استاد بی‌نیاز از مُعرّفی است؛ اما با آن هم می‌خواهم بگویم که چند نکته در حیات استاد از نکته‌های اساسی است. اگر قرار باشد، شخصیت استاد بزرگوار را با یکی از شخصیت‌های نامدار معاصر جهان به مقایسه بگیریم، با حفظ حرمت اعتقادات و فضایل دینی جناب استاد، می‌گوییم که استاد «نلسون ماندلا»^۲ی افغانستان بود، برای اینکه میان کارکردهایی که نلسون ماندلا را در افریقای جنوبی^۳ به یک شخصیت

۱. اُردُن؛ در کرانه شرقی رود اُردُن موقعیت دارد. پایتخت آن عَمّان و مساحت آن ۸۹۳۲۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۶۰۴۶۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن عربی، واحد پول آن دینار اُردُن و دین رسمی آن اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶.

۲. نلسون ماندلا را در افریقای جنوبی با همان نام سنتی عشیره‌ای‌اش؛ یعنی «مادِبا» یاد می‌کنند که در ۸ جولای ۱۹۱۸ م، در روستای «موزوی» افریقای جنوبی تولد یافت. از طریق مُبارزه با اپارتاید و تعصب نژادی که بدترین نوع استبداد قرن بیست، در افریقای جنوبی بود. به یکی از شخصیت‌های مشهور جهان مبدل شد. ماندلا ۲۷ سال را در زندان سپری کرد و سپس برنده جایزه نوبل شد. از سال ۱۹۹۴ م، به بعد به‌حیث رئیس‌جمهور افریقای جنوبی بود که راه را برای آشتی بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان هموار ساخت و در سال ۱۹۹۹ م، از مقام ریاست جمهوری کناره‌گیری کرد و تا به امروز او را به‌عنوان پدر افریقای جنوبی مورد احترام و اعزاز قرار می‌دهند و در ۵ دسامبر ۲۰۱۳ م، از جهان درگذشت. نگاه: زندگی‌نامه خودنوشت نلسون ماندلا؛ ترجمه علی رضا جباری آذرنگ، چاپ اول، ۱۳۹۲ هـ.ش، انتشارات: قطره، محل نشر: تهران، ایران و هفته‌نامه مجاهد: دور ششم، سال دوازدهم، شماره ۳۶، ۳۰ قوس ۱۳۹۲ هـ.ش.

۳. جمهوری افریقای جنوبی کشوری است که در جنوب قاره آفریقا و در سواحل دو اقیانوس اطلس و هند موقعیت دارد. مساحت آن حدود ۱٫۲ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۰۷ م، حدود ۴۷٫۵ میلیون نفر تخمین شده است. این کشور سه پایتخت دارد که عبارت‌اند از: بلسوم فونتنین (مرکز قضا)، کیپ تاون (مرکز قانون‌گذاری)، پرتوریا (مرکز اداری). واحد

جهانی و مالک قلب‌ها تبدیل کرد و میان اندیشه‌ها و کارکردهای استاد شهید، شباهت‌های خیلی نزدیک باهم وجود دارند.

نلسون ماندلا؛ علاوه بر اینکه مبارزات طولانی ممتد و زحمات نفس‌گیر را پشت‌سر گذاشت؛ ولی نلسون ماندلا، زمانی ماندلا شد که پس از کسب اقتدار در افریقای جنوبی، رویکرد و برخوردی را با مخالفان خودش روی‌دست گرفت که نلسون ماندلا در پی آن به رهبر تبدیل شد.

همه می‌دانیم که سیاست تبعیض نژادی و آپارتایدی^۱ که در افریقای جنوبی روی‌دست گرفته شده بود، بارها و بارها، اکثریت مردم این سرزمین مورد تعصب، خشونت، اجحاف و تعدی قرار گرفته بودند که طلایه‌دار آزادی‌اش نلسون ماندلا بود؛ اما پس از پیروزی، نلسون ماندلا برخوردی را که با مخالفین انجام داد، چگونه بود؟

عفو عمومی، نه انتقام گرفتن، نه خون‌ریختن؛ یعنی ماندلا سیلی از خون‌ریزی مجدد را در افریقای جنوبی جاری نساخت، هرچند او در شرایطی بود که می‌توانست انتقام و انتقام‌گیری کند؛ اما با اغماض، با بزرگ‌منشی، همه را فراموش کرد، صفحه جدیدی را باز کرد؛ استاد بزرگوار ما چهارده سال در سنگرهای داغ جهاد، هم جهاد را زعامت کردند، هم مدیریت کردند و هم رنج کشیدند، بیشتر از آن، نیم قرن در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و علمی استاد شهید مبارزه کردند و قلم زدند، سرانجام استاد از دل یک انقلاب به پیروزی رسید و زعامت دولت

پول آن «رند» و دارای یازده زبان می‌باشد و زبان کارشان انگلیسی است و یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان به لحاظ برخورداری از مواد خام به شمار می‌رود. نگاه: افریقای جنوبی در یک نگاه، ناشر: سفارت جمهوری اسلامی ایران - پرتوریا و کتاب: جغرافیای افریقای جنوبی، از حسین حمیدی نیا، نشر: تهران، ۱۳۸۹ ه.ش.

۱. آپارتاید؛ واژه افریقایی است، به معنای جدایی که در اصطلاح به سیاست تبعیض نژادی - که توسط حزب ملی افریقای جنوبی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ م، اعمال می‌گردید - گفته می‌شد، سیاست آپارتاید، مبتنی بر برتری کامل قوم سفید و تبعیض مطلق نسبت به غیرسفیدهاست و از لحاظ نظری، معتقد به جدایی کامل کلیه نژادها و امکانات آن‌هاست. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۳.

اسلامی به استاد نه تحفه داده شد، نه دیسانت شد، نه بخشش و عطایی از جهت خاصی و یا جریان و میکانیزم خاصی بود.

استاد با آنکه از متن انقلاب به زعامت رسیده بودند؛ اما پس از رسیدن به زعامت، برخورد جناب استاد با کسانی که چهارده سال و بیشتر از آن، در برابرش مُبارزه کرده بودند، مخالفت کرده بودند، زندان‌هایی را ایجاد کرده بودند، کشتارگاه‌هایی را به وجود آورده بودند، چگونه بود؟ استاد در نخستین روزگار زعامت‌شان، عفو عمومی را اعلان کردند.

خوب به یاد دارم، زمانی که آمر صاحب شهید، مژده پیروزی مجاهدین افغانستان را اعلان کردند و به من وظیفه سپردند؛ تا این پیام را خدمت جناب استاد برسانم، آن زمان نه موبایل و نه هم تلفون در دسترس بود، فقط تماس بین مرکز و بین جبهات از طریق مخابره‌های سیم‌دار و گاهی هم بی سیم بود. خدمت استاد شهید رفتیم و گفتیم که آمر صاحب سلام عرض می‌کنند و پیروزی شما را تبریک گفتند و خواهش کردند که شما برای فردا پیام تلویزیونی خود را از طریق امواج مخابره، برای مردم افغانستان ارسال بفرمایند.

فردای همان روز با استاد سایف شهید^۱ که با ما یکجا بود، سه

۱. استاد سیف‌الرحمن سایف در پانزدهم دلو ۱۳۲۱ هـ.ش، در خانواده شریف و علم‌دوست ملا قربان‌محمد واقع گذر «دیوان‌بیگی» شهر فیض‌آباد بدخشان دیده به جهان گشود. در اوایل سال ۱۳۲۹ هـ.ش، همزمان با اینکه در مدرسه دیوان‌بیگی به آموزش‌های لازم دینی مصروف بود، شامل متوسطه «شاه محمود» گردید. و در سال ۱۳۳۹ هـ.ش، شامل مدرسه ابوحنیفه پغمان گردید، هنگام اقامت در کابل، از همکاری‌های علمی و رهنمودهای سازنده محترم استاد برهان‌الدین ربانی بهره‌مند می‌شد. بعد از دو سال، «مدرسه ابوحنیفه» را موفّقانه به پایان رسانید و در سال ۱۳۴۱ هـ.ش، شامل دانشکده شرعیات دانشگاه کابل شد. در سال ۱۳۴۵ هـ.ش، از دانشکده شرعیات با اخذ درجه عالی فراغت حاصل کرد و مطابق به قوانین دولت وقت، دوره مکلفیت خود را از ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ هـ.ش، به صفت آموزگار در مکتب متوسطه لیلیه شهر فیض‌آباد سپری کرد. استاد در هنگام دانشجویی در ابوحنیفه و دانشکده شرعیات، با چهره‌های سرشناس «نهضت اسلامی افغانستان» آشنا و در سال ۱۳۵۱ هـ.ش، در جمعی دانشجویان ممتاز کشور، غرض ادامه تحصیلات عالی عازم جمهوری عربی مصر شد و در دانشگاه بین‌المللی الأزهر شامل شد و در جریان تحصیل به‌حیث گوینده بخش فارسی رادیو قاهره نیز کار می‌کرد. در سال ۱۳۵۵ هـ.ش، بعد از فراغت از الأزهر به کابل آمد و به‌حیث استاد دانشکده شرعیات دانشگاه کابل تقرر حاصل کرد. سرانجام استاد سایف شهید در سال

نفر در اطاق کوچک مخابره بودیم، دیدم که استاد متن بیانیه خود را نوشته‌اند؛ ولی تا با حال هم یادم است که چندین جای بیانیه‌شان، خط خورده بود. از استاد پرسیدم و گفتم: استاد! مثلی که در حالت هیجانی بیانیه را نوشتید؟

گفت: نه! ولی، بعضی از جملات را در برابر مخالفین دیروز، تند نوشته بودم؛ اما به یادم آمد که امروز جهاد در افغانستان به پیروزی رسیده، انقلاب به پیروزی رسیده، نباید ما بار دیگر سیلی از طریق انتقام و انتقام‌گیری در افغانستان جاری کنیم، جملاتم تند بود، اصلاحش کردم. دوستان عزیز!

مبالغه نیست که بگویم، استاد «نلسون ماندلای» افغانستان بود. در نخستین هیئت‌های مُمَثِّل دولت اسلامی در کابل، اولین گام مجاهدین به رهبری استاد شهید عفو عمومی بود. اگر واقعاً ضمیر بیداری، در این سرزمین وجود داشته باشد که دارد، فراموش نکنیم که این بزرگ‌ترین ابتکار تاریخی‌ای بود که استاد شهید رعایت کردند. یک زندانی سیاسی در دوران زعامت استاد شهید وجود نداشت، اگر یک فرد وجود داشت، او هم اسدالله سروری^۱ بود که از دوران مُقاومت تا زمان تشکیل دولت جدید نگهداری شد و این خود نمایانگر این واقعیت است که اصل رعایت حقوق بشری در تفکر استاد شهید و روش و رویکردهای استاد شهید، با این دقت هم رعایت می‌شد؛ اما اگر ما عینک تعصب، تعصب سیاسی، تعصب ایدئولوژیک و غیره را کنار بگذاریم، به حق باید شخصیت‌های بزرگ مان را هم از افتخارات ملی و هم رمز وحدت ملی و هم جزیی از مفاخر تاریخی خود بدانیم.

۱۳۷۱ هـ.ش، به عمر ۵۰ سالگی، با سقوط هواپیمای وزارت دفاع دولت اسلامی افغانستان، در کوه «آب‌باریک» میان ارگو و درایم، با جمعی از یارانش به شهادت رسیدند. نگاه: قهرمانان آزادی و استقلال، ص: ۴ - ۱۰.

۱. اسدالله سروری؛ رئیس مؤسسه اگسا که مخفف آن «د افغانستان د گتو د ساتلو اداره» از جمله مؤسسات منفور عهد تره‌کی بود که به علت بزرگی جنه و قساوت مزاج در محیط، به «کنک‌کانک» شهرت داشت. نگاه: افغانستان در پنج قرن اخیر، ص: ۱۰۱۲ - ۱۰۱۳.

دوستان عزیز !

از این جهت بی وجه نیست که استاد را «شهید صلح» می نامیم، استاد از اولین ایام زعامت شان، به دنبال تحقق صلح بود؛ تا آخرین نفس برای صلح تلاش کردند؛ تا اینکه در بستر صلح و صلح جویی در افغانستان به شهادت رسیدند.

نقطهٔ دوّم؛ بی گمان می خواهم ادّعا بکنم که در تاریخ افغانستان، استاد یکی از مستقل ترین رؤسای دولت در افغانستان بود. این شهادت، شهادت تاریخ افغانستان است، استاد شهید قیمت و بهای استقلال را هم - که اگر استقلال ارزش است - از صبح پیروزی تا پایان مرگ شان پرداختند، این هم خصوصیتِ آزادگی و استقلالیتِ فکر و عمل استاد شهید بود.

دوستان عزیز !

در حوادث مختلف، قضاوت های نامردانه ای در مورد زعامت استاد صورت گرفته که این مطلب را می گذاریم به یک بحثی دیگری که زیر فشار زمان نباشیم و به تفصیل بتوانیم در این محور صحبت هایی داشته باشیم.

حضار گرامی !

پشت کردن به قدرت، شهادت کلان می خواهد و شما شاهدید که استاد شهید، نخستین رهبری بود که سنت انتقال مسالمت آمیز قدرت^۱ را در تاریخ افغانستان بنیان گذاشت. بلی، این استاد شهید بود که چنین کردند، شما زمانی ولسوالی را از پُستی به پُستی تبدیل می کنید، با دنیای عکس العمل ها روبه رو می شوید؛ اما یک شخصیتی که - چنان که گفتم - نه به اساس تحفه، بل به اساس پیروزی یک انقلاب در افغانستان به

۱. انتقال مسالمت آمیز و متمدنانهٔ قدرت؛ از دولت اسلامی افغانستان به رهبری شهید پروفیسور برهان الدین ربانی W ؛ به حامد کرزی رئیس ادارهٔ موقت افغانستان، در اوّل جدی سال ۱۳۸۰ هـ.ش، صورت گرفت. برای معلومات بیشتر در این مورد، به بیانیهٔ تاریخی استاد شهید W مراجعه شود: هفته نامهٔ مجاهد، ص: ۳، دور ششم، سال هفتم، شمارهٔ ۲۸، ۳۰ قوس ۱۳۸۷ هـ.ش.

زعامت رسید؛ به خاطر رعایت مصالح ملی با جبین گشاده، قدرت را در افغانستان به گونه مسالمت آمیز منتقل ساختند و سنتی را اساس گذاشتند که هم این نسل و هم نسل های بعدی به او می باید افتخار کنند، استاد این شایستگی را داشتند.

نکته دیگر اینکه استاد در کنار همه فضایل و هزاران فضیلت دیگری که داشتند، فضیلت دیگرش این بود که استاد خدمت گذاری برای مردم افغانستان را در مقام و موقف بسته نساختند. استاد زمانی رئیس دولت اسلامی افغانستان بود - رهبری شان که از آغاز تا پایان - و زمانی که رئیس دولت هم نبودند، پیوسته می گفتند: می شود در موقعیت های مختلف به اشکال و به گونه های مختلف، در خدمت این ملت بود.

استاد خواستند سنت حسنه دیگری را هم بنیان بگذارند و آن اینکه ما نه به مقام ریاست جمهوری، به خانه ملت افغانستان مراجعه می کنیم و از طریق خانه ملت در خدمت مردم افغانستان قرار داشتند، شما شاهد این بودید که استاد رهبر، استاد مجاهد، استاد دانشمند، شخصیت اکادمی، شخصیت فرهنگی، رئیس دولت، رهبر یک انقلاب در کنار ماها در خانه ملت افغانستان تشریف آوردند و در کنار سایر وکلای باعزت خانه ملت نشستند و به حیث یک نماینده منتخب در کنار همه قرار گرفتند؛ اما هیچ گاه استاد به عنوان اینکه متفاوت از بقیه اند برخورد نمی کردند و در موقع، مطابق طرز العمل عمل می کردند و این نمایانگر این بود که استاد عملاً اثبات کردند که خدمت گذاری لازمه اش حتماً رئیس دولت بودن نیست. ما اگر قصد خدمت گذاری را داشته باشیم، ما از خانه ملت هم می توانیم خدمت گذاری کنیم و بعد از این مرحله، استاد به خانه صلح افغانستان تشریف بردند.

حضار گرامی!

جمعی از دوستان و عزیزانی که در تصمیم گیری استاد شهید شریک بودند، تشریف دارند که اکثریت دوستان ما با اینکه استاد به حیث رئیس شورای عالی صلح تشریف ببرند، مخالفت داشتند. تنها خودشان یک

فلسفه و یک تدبیر را عنوان می‌کردند، و آن اینکه نه‌خیر! شورای عالی صلح موقف و مقام نیست، جایگاهی است که - برای خدمت‌گذاری برای مردم افغانستان و برای ختم جنگ در افغانستان - می‌شود، از این آدرس کارهایی را انجام داد، استاد به ریاست شورای عالی صلح رفت و به همان شکلی که نخستین روزگار و لحظات زعامت‌شان را با صلح‌خواهی، اعلان عفو عمومی، آوردن یک صفحه جدید آغاز کردند، پایان عمرشان را هم در بستر صلح و صلح‌طلبی به پایان رساند. شما دیدید که استاد چه ریسک‌ها و خطراتی را قبول نکردند و در یک جمله نشان دادند که واقعاً استاد به‌عنوان یک زعیم و به‌عنوان یک شخصیت فرزانه، برای ختم جنگ در افغانستان، هم می‌اندیشید و هم کار می‌کرد و سرانجام شما دیدید که در بستر مقدس مصالحه و صلح‌طلبی و ختم جنگ در افغانستان، بار دیگر صفحه دیگری در افغانستان تکرار شد و این بار تروریزم متفاوت از گذشته، از میان ملت بزرگ افغانستان رهبر را نشانه گرفتند.

روح‌شان شاد و یادشان گرامی باد.

چهره‌نگاری بنیان‌گذار نهضت و
نخستین مُنشی

«جمعیت» با خامهٔ توانایی استاد شهید؛

نویسنده: پوهنمل سید عنایت‌الله شاداب؛ عضو شورای

رهبری جمعیت اسلامی؛

مکان: کابل، کارتهٔ چهار؛

زمان: پنج‌شنبه، ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۴ هـ.ش.

پیش زمینه:

نقش شخصیت‌ها و ابرمردان، در ایجاد و آفرینش رستاخیزها در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی نقشی است ملموس و انکارناپذیر، همین شخصیت‌ها و رجال بزرگانند که شوره‌زار حیات ملت‌ها را با اندیشه‌ها و قهرمانی‌ها و جدوجهد خویش، در عرصه‌های مختلف زندگی، آماده پیدایش و رویش کرده، کارنامه‌هایی از خود به جا گذاشته و ره‌چراغ‌هایی را در مسیر نسل‌های بعدی روشن کردند.

افغانستان در تاریخ معاصر خویش، شخصیت‌هایی را پرورش داده‌است که با کار و پیکار خویش، جنبش‌هایی را بنیان گذاشته‌اند، برخاسته از عمق باورهای دینی و سنت‌های ملی خویش که سرلوحه آن‌ها را آزادی و آزادی‌خواهی، مقاومت و ایثار، در راه دفاع از حق، تعیین سرنوشت ملی و سروری و سرفرازی خویش، تشکیل می‌دهد.

حماسه‌ها و کارنامه‌هایی که نه تنها باعث پیروزی اراده بر شمشیر در کشورشان گردید که سیه‌اب‌های اسارت را از فضای سرزمین‌های اسلامی آسیای میانه و کشورهای اروپای شرقی، دور و نابود کرد و صاحب حاکمیت ملی و آزادی از سلطه بیگانگان گردیدند.

نقش نهضت اسلامی افغانستان، در آزادی ملت‌هایی تحت استعمار

امپریالیزم روسی، مصداق همان آیه کریمه است که می‌فرماید:
 ﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾^۱

پوهاند غلام‌محمد نیازی^۲ و انجینیر حبیب‌الرحمن شهید، از طلایه‌داران همین حماسه ملی در تاریخ معاصر افغانستان اند، استاد شهید در چهره‌نگاری این دو شهسوار جنبش آزادی‌خواهی و بازگشت به خودی اسلامی، تحت عنوان‌های «یادی از استاد غلام‌محمد نیازی شهید و پیغام شهید» مطالبی را به‌خورد فرزندان نهضت اسلامی افغانستان ارزانی کرده‌اند که فرازهایی از هریک از این دو نوشتار را به خوانش می‌گیریم؛ تا مشعلی باشد برای نسل جدید این ملت سرفراز استعمارستیز؛ و درسی باشد برای فرزندان این سرزمین، استاد در پیش‌درآمد نوشتار خود، نهضت اسلامی را زاده شعارهای تند و بی‌حاصل ندانسته؛ بلکه آن را نتیجه تلاش‌ها و اخلاص مبارزانی می‌داند و می‌گوید: «نهضت اسلامی معاصر، فقط عکس‌العمل شعارهای تند و بی‌حاصل نیست؛ بلکه زاده جدوجهد شبانه‌روزی و اخلاص و دل‌سوزی آن پیکارگران مؤمنی است که با دانش و بینش اسلامی، تهداب نخستین جنبش را درست و مستحکم گذاشته‌اند.»^۳

استاد شهید؛ در این چهره‌نگاری، در گام نخست زادگاه استاد نیازی

۱. اعراف / ۱۵۷. ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَدْعُوهُمْ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (همانان که از این فرستاده پیامبر درس‌نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده‌است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و نوری را که با او نازل شده‌است پیروی کردند، آنان همان رستگاران‌اند.)

۲. استاد پوهاند غلام‌محمد نیازی G ؛ بنیان‌گذار نهضت اسلامی در افغانستان بود که در هشتم جوزای سال ۱۳۵۸ هـ.ش، همراه با ۱۳۵ تن از اعضای برجسته نهضت اسلامی افغانستان، در زندان پلچرخ از طرف رژیم خلق، به شهادت رسیدند. نگاه: کروئولوژی حوادث تاریخی افغانستان، ص: ۳۱.

۳. نگاه: یادی از دو شهید، ص: ۱۵.

را در محراق توجّه قرار داده است که محکوم درد و رنج و محرومیت بوده و اکثراً شخصیت‌های تاریخ‌ساز از چنین محیط‌هایی سر در می‌آورند، استاد پیوند او را به سرزمین «محمود بت‌شکن»^۱ و محیط تربیتی او به خوانش گرفته و می‌گوید: «این استاد توانا که دردها و محرومیت‌های ملت زجر دیده افغانستان و انحطاط جهان اسلام، قلبش را خونین و روحش را اندوهگین ساخته بود، همیشه در فکر نجات ملت خود بوده و به بیداری جهان اسلام می‌اندیشید و در جست‌وجوی رسیدن به این آرمان، مسلسل تلاش می‌کرد و لحظه‌ای هم آرام نبود.»^۲

استاد نیازی با آرمان‌والایی که در سر می‌پروراند با بازگشت از مصر، به همه پیشنهادهای مقامات دولتی به حساب ریاست‌ها.. دست رد زده و مسئولیت تعلیمی را برگزید، آن‌گونه که استاد شهید می‌نویسند: «در این شرایط حسّاس، مسئولیت خطیر تعلیمی را عهده‌دار شده و برای اینکه تحوّل عمیق و بنیادی را در افکار و اندیشه‌ها به میان آورد، تدریس بخاری شریف (احادیث پیامبر) و تاریخ اسلام را به عهده گرفت.»^۳

استاد در این چهره‌نگاری از پوهاند نیازی، افزون بر اینکه از نحوه تدریس او و ایجاد تغییر در شیوه تدریس احادیث پیامبر، اشاراتی دارد، به‌گونه خلاصه شخصیت استاد را در بُعد تعلیمی این‌گونه خلاصه کرده و می‌گوید: «خلاصه؛ با آمدن استاد به‌حیث آموزگار در چوکات هیئت تدریسی پوهنخ (دانشکده) شرعیات، تحوّل عمده در همه ابعاد تعلیمی به عمل آمد.. مواد جدید درسی غرض آشنایی شاگردان به علوم

۱. منظور رهبر شهید W سلطان محمود غزنوی است. وی در سال ۳۶۰ ه‍.ق، به دنیا آمد و در ۲۳ ربیع‌الآخر ۴۲۱ ه‍.ق، در شهر غزنین درگذشت. وی اولین پادشاه مستقل و بزرگ‌ترین فرد خاندان غزنوی بود. او به دلاوری، شجاعت و کثرت فتوحات مشهور بود. بر اثر شجاعت و تدبیری که داشت، در نشر و اشاعه دین مبین اسلام، در دوران حکومت خود مقام بسیار بزرگی را حایز شده و به فتوحات پی‌درپی ایران و هند نایل شد. برای معلومات بیشتر نگاه شود: تاریخ ایران بعد از اسلام، عباس اقبال آشتیانی، نگاهی به تاریخ ایران بعد از اسلام از فریدون اسلام‌نیا و طبقات ناصری از قاضی منهج سراج.

۲. نگاه: یادی از دو شهید، ص: ۱۶.

۳. همان: ص: ۲۰.

معاصر در پروگرام گنجانیده شد، تاریخ اسلام، اساسات فکر اسلامی، علم النفس (روان‌شناسی) و علم الاجتماع (جامعه‌شناسی) جزء پروگرام درسی شد...»^۱

استاد، شخصیت اداری پوهاند نیازی را این گونه، به خوانش گرفته و می‌نویسد: «استاد تنها یک آموزگار مثالی نبود؛ بلکه به حیث یک اداره‌گر برانزده، از خود استعداد و کفایت نشان داد، او معتقد بود، برای سرنگونی رژیم فاسد

و بنیان‌گذاری دولت اسلامی، سنگرداران اسلام نباید از دور منتظر فروریختن کاخ‌های استبداد باشند؛ بلکه خودشان در اعماق سنگرهای دشمن درآیند و زلزله ایجاد کنند...»^۲

استاد در مورد فعالیت‌های اسلامی شهید پوهاند نیازی می‌نویسد: «موصوف برای اینکه ساحه فعالیت‌های اسلامی در محیط پوهنتون و ادارات علمی گسترده گردد، مرکز تحقیقات علمی را در چوکات پوهنتون کابل با تشکیلات وسیع پیشنهاد و موافقه آن را از طریق شورای علمی پوهنتون و شورای ملی به دست آورد...»^۳

استاد در این چهره‌نگاری خویش از پوهاند نیازی، در عرصه فعالیت‌های اداری آن رادمرد اندیشه و دعوت، نکاتی را به خوانش گرفته و فعالیت‌های اداری وی را این گونه به تصویر می‌کشد: «لذا جهت آشنایی به اوضاع داخلی امریکا و روسیه، به این دو کشور سفر کرده و در نتیجه این مسافرت‌ها، با خود ارمغان‌های آموزنده‌ای را به ارمغان آورد...»^۴

تلاش‌های استاد نیازی علیه الحاق پوهنخی شرعیات به پوهنخی حقوق را، استاد در چهره‌نگاری خویش از پوهاند نیازی، این گونه ترسیم کرده و می‌نویسد: «استعمار کهنه که در رویاروی مسلح در برابر

۱. نگاه: یادی از دو شهید: ص: ۲۴.

۲. همان: ص: ۲۵.

۳. همان، ص: ۲۶.

۴. همان، ص: ۲۹.

ملت‌های مسلمان، شکست‌خورده بود، می‌خواست از راه‌های دیگری از طریق به‌دست‌گرفتن دستگاه‌های تربیتی و حقوقی و غیره.. بار دیگر سایه‌های سیاه و شوم خود را بر ملت ما گسترده و سلطه پیدا کند.. این تلاش‌های خاینانه، استاد را نگران می‌ساخت و علیه الحاق پوهنځی شرعیات به پوهنځی حقوق که هدف آن حذف شریعت در محاکم و دستگاه‌های قضایی بود، به شدت مقاومت کرد..^۱

و می‌گفت: «ما با داشتن فرهنگ غنی و پُرمایه و مبانی عظیم ارزش‌های شریعت اسلامی، دیگر چه نیازی داریم که از رژیم‌های بیمار و فرتوت اقتباس کنیم..^۲»

استاد نقش سیاسی پوهاند نیازی را این‌گونه به خوانش گرفته و می‌نویسد: «استاد تنها یک آموزگار توانا و یک اداره‌گر موفق نبود؛ بلکه یک رهبر فکری و سازمان‌دهندهٔ انقلاب اسلامی نیز بود.. استاد در آغاز به منظور ریشه‌دارشدن انقلاب، به فعالیت‌های زیرزمینی توصیه می‌کرد و چون احساس کرد، دیگر صفی از رزمندگان تربیت‌شده به‌میان آمده و آماده‌اند.. دعوت علنی را در ملا عام هدایت داد و شب‌نامهٔ جهاد اولین پیام علنی بود که در میان مردم پخش شد و اطاق کار و منزل او تجمعگاه داعیان راه حق بود..^۳»

و اما تصویر و چهره‌نگاری استاد از نخستین مُنشی جمعیت اسلامی افغانستان، در «پیغام شهید»:

در ارتباط به شخصیت انجینیر حبیب‌الرحمن - که با فهم عمیقی که او از آموزه‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف داشت، در میان جوانان مسلمان پوهنتون کابل، لقب مولانا را به‌خود گرفته بود - با مقدمه از جایگاه شهید و بایستی و وجوب مبارزه در راه برتری کلمهٔ خدا، آغاز گردیده و از نقش رهروان راه حق، در ادامهٔ این مبارزه سخن

۱. نگاه: یادی از دو شهید، ص: ۳۵.

۲. همان، ص: ۳۶.

۳. همان، ص: ۳۸.

به میان آورده و با بیتی از اندیشور سترگ و احیاگر دین، در اوایل قرن بیست، علامه اقبال W جایگاه آنان را در مبارزات حق طلبانه شان، نشانه گذاری کرده آن جا که گفته است:

بندۀ آزاد را شأن دیگر

مرگ او را می دهد جان دیگر^۱

در این سخنان مقدّماتی، استاد از شخصیت «مُصْعَب بن عُمَيْر»^۲ - آن پرورده ناز و نعمت در جوانی - سخن به میان آورده و از سرنوشت مبارزات حق محورانه در ادوار مختلف نهضت های توحیدمحوری حرف می زند که گویی حبیب الرحمن در نهضت اسلامی افغانستان حیثیت مُصْعَب بن عُمَيْر را دارد.

استاد در مَعْرِفِي مُصْعَب بن عُمَيْرِ نهضت اسلامی افغانستان، انجینیر حبیب الرحمن می نویسد:

«حقاً که روزی چند، نمرود و فرعون و ابولهب با عناد و سرکشی، مانع پیشرفت حق می شوند؛ اما سرانجام با سرنوشت شوم نابود گشته و نور حق اعماق ظلمت را در همه جا شگافته و سایه های سیاه کفر ناپدید شده است.»^۳

استاد در ترسیم چهره انجینیر حبیب الرحمن شهید می نویسد:

۱. نگاه: جاویدنامه، ص: ۲۱.

۲. مُصْعَب بن عُمَيْر ~ ؛ اولین سفیر اسلام و دعوتگر رسول الله Y، از بزرگان صحابه و از نخستین کسانی است که اسلام آورد. اسلام او هنگامی بود که پیامبر در خانه ارقم به دعوت سَرّی مشغول بود. او تا پیش از اسلام آوردن، خوش گذران ترین جوانان قریش بود و مادرش توجّه ویژه ای به او داشت. او زیباترین لباس ها را می پوشید و همه امکانات زندگی آن روز را در اختیار داشت. مصعب در نبرد بزرگ بدر شرکت داشت و در نبرد اُحُد پرچمدار رسول الله Y بود. در نبرد اُحُد پس از آنکه هردو دستش را از دست داد، پرچم را با بازویش به سینه چسبانده بود و تا آخرین لحظه مُقاومت کرد و سرانجام تَوْسَط «ابن قَمَته اللّیثی» به شهادت رسید - ابن قَمَته که گمان کرده بود که پیامبر را به شهادت رسانده است در میان قریش فریاد می زد که مُحَمَّد را کُشتم - گفته شده است که عمر او در هنگام شهادت، چهل سال یا کمی بیشتر بوده است و بر اساس قولی، آیه ۲۳ سوره احزاب در باره این یار گرامی رسول الله Y نازل شده است. نگاه: اَسَدُ الْغَابَةِ فی مَعْرِفَةِ الصّحَابَةِ، الطّبَقَاتُ الْکُبْرَى، ج: ۲، ص: ۱۲۱ - ۱۲۲.

۳. نگاه: یادی از دو شهید، ص: ۵۴.

«آری! این شهیدگرامی، این فرزند عزیز هردل، مانند شما افغان‌های غیور، مسلمان باغیرتی بود که نمی‌خواست، دست پلید استعمار به‌سوی شرف و ناموس ملت ما دراز شود، او دشمن آشتی‌ناپذیر استعمار نو و کهنه بود.. او آن‌گاه که دید استعمار نو به رهبری سوسیال امپریالیزم روسی می‌خواهد افغانستان عزیز را در زنجیر اسارت خود بکشانند، با کمال شجاعت علیه مداخلات بی‌شرمانه روس‌ها، در پولی‌تخنیک آماج اعتراض قرار داده و عَلمُ مبارزه را برافراشت و علیه نمایش فلم بی‌خدایی در سینمایی پولی‌تخنیک.. به شدت اعتراض کرد و در اثر مبارزات پیگیر خود، توانست حکومت وقت را مجبور سازد؛ تا فلم را نابود و کتاب‌ها را بسوزانند..»^۱

استاد بعد از افشای چهره حکومت مزدور در سخنان خود، در مورد شهادت این نابغه مبارزات دانشجویی جوانان مسلمان افغانستان، می‌نویسد:

«آری! سرانجام حبیب‌الرحمن، این فرزند صدیق وطن، این سپیده صبح در افق آمال مردم نیازمند ما، این اختر فروزان در آسمان آرمان‌های جامعه ما، این جوان غیرتمند و باایمان، این مثال زنده از یادگار قهرمان شکوهمند تاریخ ما، این مایه امید من و تو ای هموطن غیور و متدین، این فرشته معصوم در پیکر فرزند آدم، این قهرمان گرانمایه را، دشمنان دین و ملت، دشمنان من و تو، این حکمرانان خاین و این جاسوسان وطن‌فروش.. با دست‌های پلیدشان به شهادت رسانیدند.. و مردم افغانستان در سرتاسر کشور از فراز کوهساران سربه‌فلک.. از اعماق دل، نفرین و لعنت می‌فرستند و از این ضایعه بزرگ و حادثه‌الم‌انگیز، سخت غمگین‌اند.

سلام بر تو ای شهید! و ای شهید جاوید صد سلام! شادباش که صدها میلیون مسلمان، از دیوار چین؛ تا پهنای مراکش.. بر روان پاک تو

۱. نگاه: یادای از دو شهید، ص: ۵۸.

دروود می‌فرستند.^۱

در آخر لازم به تذکر می‌دانم که پشت‌کار و سعی و تلاش برادر
ارجمند آقای آماج، در پیش‌برد مسئولیت «تدوین آثار رهبر شهید» قابل
تقدیر و ستایش بوده و موفقیت بیشتر از بیش او را از خداوند توانا نیاز
می‌برم.

کابل، کارته چهار؛

پنج‌شنبه، ۲۴ / ۶ / ۱۳۹۴ خورشیدی.

۱. نگاه: یادى از دو شهید، ۵۹ - ۶۰.

نگاهی، به «یادی از دو شهید»

نویسنده: عبدالوهاب عمار

مکان: کابل ستار؛

زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۴ هـ ش.

درآمد:

«یادی از دو شهید» عنوان کتابچه‌ای است که به مناسبت چهارمین سال گشت شهادت اکادیمسین شهید استاد برهان‌الدین ربانی W ، از سوی «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» به نشر رسیده است. این کتاب در ۹۹ رُویه، به تیراژ ۲۰۰۰ جلد، با برگ‌آرایی زیبا، طرح قشنگ و دل‌بر، در قطع جیبی، از چاپ برآمده است، طرح جلد و صفحات این کتاب، در نخستین نگاه، به چشم هر صاحب‌ذوقی، شادمانی می‌بخشد.

لازم به تذکر این‌که بر خواننده این کتاب، دو سپاس لازم است. سپاس نخست؛ از کار بنیادگذار «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» برادر فرهیخته و سیاست‌مدار بی‌ریا، جناب صلاح‌الدین ربانی، رئیس محترم جمعیت اسلامی افغانستان است که مرکزی را برای تدوین و پخش آثار و اندیشه‌های رهبر شهید گشودند که به حق اقدام نکو و ستودنی است؛ سپاس دوم؛ از شیوه کار عوامل کاری این مرکز فرخنده، در رأس برادر دانشمند معاون محقق فضلی‌آماج - حفظه‌الله - است که بی‌گمان کارشان در افغانستان در نوع خود کم‌مانند و حتی می‌توانم ادعا بکنم که بی‌مانند است، اگر می‌پندارید که مبالغه می‌کنم، پس یکی از این آثار را، از لحاظ دقت، تنوع کاری، حرفه‌ای بودن و میزان داشتن اشتباه‌های مُجاز، با یک اثری که از سوی یکی از مراکز فرهنگی و انتشاراتی نشر

شده باشد، به مقایسه بگیرید! پس، چنین کارهایی به پیش باد! به امید توفیق‌های بیشتر مرکز تدوین.



بخش نخست این کتاب که پیش از این در عهد فرخنده جهاد برحق مردم افغانستان، زیر عنوان «یادی از استاد غلام‌محمد نیازی» چاپ شده بود، از نظر تاریخی، نخستین، بهترین و مستندترین سند، در مورد تاریخچه «نهضت اسلامی افغانستان» است، این رساله یگانه سند کتبی تاریخچه نهضت به قلم شورانگیز یک تن از مؤسسان نهضت اسلامی است که با عبارت‌های روشن، با بررسی زوایای زندگی شهید پوهاند غلام‌محمد نیازی G، چگونگی شکل‌گیری جریان باشکوه نهضت اسلامی افغانستان را، منصفانه و رسالت‌مندانه یادداشت نموده و به نسل‌های آینده، با امانت‌داری کامل به میراث گذاشته‌است؛ لذا این رساله، برای نسل جوان و پژوهندگان تاریخ نهضت اسلامی، منبع دقیقی است.

استاد شهید این رساله را با یک درآمد آغاز کرده و زندگی استاد نیازی را به سه حوزه تعلیمی، اداری و سیاسی تقسیم کرده، سپس هرکدام را جداگانه، تجزیه و تحلیل کرده‌است. فصل دوم این رساله زیر عنوان «پیغام شهید» که یادبودی از انجینیر حبیب‌الرحمن شهید است که در گذشته نیز دو بار چاپ شده‌است.

در سبک‌شناسی، می‌گویند به شمار نویسنده و شاعر، سبک نبشتاری و شعری وجود دارد، بناءً نبشته‌های استاد شهید نیز دارای سبک ویژه با مزیت‌های خودش است، در عین‌زمان نمی‌توان از همانندی‌های زبان، نبشتار و اندیشه یک نویسنده، با دیگری انکار کرد، استاد شهید نیز از این امر مستثنی نیست.

در این‌جا قرار نیست؛ تا به تمام زوایا و ویژگی‌های ادبیات استاد شهید تماس بگیریم و وارد جزئیات شویم؛ بل می‌خواهیم ادبیات استاد شهید را، در قامت رساله «یادی از دو شهید» به‌طور نمونه، فقط از دو

زاویه، به دوستداران قلم ایشان، پیشکش کنیم.

از نظر زبانی:

زبان غنی، نیرومند، روان، شُسته و استوار که از مزایای مهم و تعیین‌کننده اثر یک نویسنده تواناست، چه بسا مفاهیمی که به اثر ناتوانی نویسنده در تعبیر، ناگفته و در ورای عواطف و احساس‌ها، بسته و ناگشوده می‌ماند، به گفتِ بیدل:

ای بسا معنی که از نامحرمی‌های زبان

با همه شوخیِ مقیم نسخه‌های راز ماند

بنابراین و با توجه به این حقیقت که نویسندگان افغانستانی هم‌روزگار استاد شهید، از توانایی زبانی خوبی، برخوردار نبودند و نیستند، نبشته‌های استاد شهید، با گذشت چندین دهه هنوز هم به‌روز است و تازگی زبان، بکارتِ بیان و جزالتِ تعبیر را حفظ کرده‌است، چنانچه در این رسالهٔ کوچک، جذابیت، تازگی، دقت در تعبیر، بیان عالی و استحکام نثر استاد، خواننده را به عمق موضوع می‌برد و ذهنش هیچ نارسایی و کوتاهی را در آن، از قبیل حذف و اضافه احساس نمی‌کند و این مزیت، بیانگر تسلط استاد شهید بر زبان و نشان گسترده‌بودن ذخیرهٔ زبانی ایشان است.

استحکام کلمات:

ادبیات استاد شهید، از مزایای زیادی برخوردار است که در این مختصر نمی‌گنجد؛ اما به‌طور فشرده و مشخص، چند نمونه از دقت و هماهنگی آوایی واژگان را در نبشتهٔ استاد، این‌جا با هم مرور می‌کنیم:

نخست؛ استاد شهید برای اینکه فراگیربودن جنبش مردم مسلمان افغانستان علیه عناصر اشغالگر را بیان کند، تعبیر رسای «**رستاخیز عظیم**» را به‌کار گرفته‌است، رستاخیز عظیم، تعبیری است که برای خوانندهٔ آن روزگار، تصویری از حرکت‌های سیل‌آسای مردم و جنبش‌های بی‌امان

ملت مجاهد افغانستان را در برابر اشغال، به نمایش می گذارد، تعبیر رستاخیز، تلمیح ظریفی است از صحنه برپاشدن قیامت، با کلمه توصیفی عظیم، حالت یک جمله متحرک و جنبنده‌ای را به خود گرفته و حالت پر آشوب هجرت و جهاد، جنبش‌های بزرگ و تصویر خیزش‌های سیل‌آسای مردم را در برابر رژیم اشغالگر بازگو کرده‌است، این دو کلمه در این بافت ساختمانی، در ارایه و رساندن پیام، هر کدام نقش خود را طوری که باید، ادا کرده‌اند، چنانچه اگر به جای این دو کلمه، هر کلمه دیگری جابه‌جا شود، نمی‌تواند به قوت تعبیر اولی، پیام را انتقال دهد!

دوم؛ استاد وقتی می‌خواهد که اوج قساوت، استبداد و وابسته‌بودن رژیم دست‌نشانده وقت را، در یک جمله، فشرده و بیان کند، تعبیر «جلّادان کرم‌لین» را به کار می‌بندد. چه جلّاد در امر شکنجه یک قربانی، از خود هیچ اراده و تصمیمی ندارد و هر دستوری را - چه نیک چه بد- بی‌دلیل اجرا می‌کند، فرماندهان شکنجه و استبداد، در روزگار حاکمیت رژیم کمونیستی در کشور، در فرمان‌برداری‌شان از کرم‌لین در قلم رسای استاد، به یک جلّاد بی‌رحم، بی‌عاطفه و.. مانند شده‌است، استاد شهید بسیار ماهرانه وابستگی رژیم را به کرم‌لین به تصویر می‌کشد؛ یعنی جلّادان کرم‌لین که در افغانستان به سر می‌برند؛

سوم؛ به‌خاطر تبیین اوج نیرومندی، استواری و ایستادگی بی‌باکانه انقلابیان مسلمان، رهبر شهید از این تعبیر کار گرفته‌است: «مؤمنان آهنین عزم» در این تعبیر از نظر آوایی، بین لفظ و معنا هماهنگی عجیبی وجود دارد، آهنین بودن اراده مسلمان با قرار گرفتن در کنار واژه عزم، در تلفظ به نحوی ثقل و دشواری را ایجاد کرده‌است که گویی دشواری تلفظ از استحکام و سنگینی اراده مجاهدان حکایت دارد و همچنین از نظر بلاغی مقدم آمدن صفت آهنین بر عزم، کوچک‌ترین تردیدی را بر آهنین بودن اراده مسلمانان باقی نگذاشته‌است، برای آزمایش، جمله مؤمنان آهنین عزم را با خود بلند بخوانید، دشواری تلفظ را احساس خواهید کرد؛

چهارم؛ شهید استاد ربانی هنگامی که می‌خواهد صحنه خونین و جنایت‌بار به قدرت رسیدن تره‌کی را، برای مخاطبانش، تصویرسازی کند و انتقال دهد، چنین صحنه‌آرایی می‌کند:

«فاجعه ننگین هفت ثور به وقوع می‌پیوندد، داود خان را با دار و دسته‌اش به فرمان روس‌ها به قتل می‌رسانند و تره‌کی، مزدور وفادار روس بر «..اریکه خونین قدرت تکیه می‌زند»^۱

شما دقت بفرمایید که تعبیر بر «اریکه خونین قدرت تکیه می‌زند»، در ذهن آدم تصویری را تداعی می‌کند که انگار تره‌کی، آن گلا دیاتور سرخ خونخواری است که افسارش گسیخته شده و خون چندین قربانی را نوشیده و بر سکویی بلند شده‌است و از سر و صورتش خون دارد می‌چکد، برای خواننده آن زمان، این تعبیر چقدر گویا و زنده‌است؟!

با این خوانش گذرا، نیک در می‌یابیم که ادبیات استاد شهید از مزیت‌های ویژه‌ای برخوردار است. با خواندن آثار استاد، آدم قدرت او را در ایجاد ترکیب‌های جدید از واژه‌های اصیل فارسی و عربی - بدون اینکه کوچک‌ترین تنافر و کراهت در بیان و گفتار داشته باشد - احساس می‌کند، چیزی که دستیابی به آن کار ساده‌ای نیست. بدین ملحوظ می‌سزد، تا در باره سبک و زبان نبشتاری استاد شهید، کار گسترده‌تر و پژوهشی، صورت بگیرد.

۱. نگاه: یادی از دو شهید، ص: ۴۶.

استادِ نویسنده

نویسنده: دکتور محی الدین مهدی، نویسنده و عضو

مجلس نمایندگان؛

مکان: کابل ستار؛

زمان: پنج شنبه، ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۴ هـ ش.

استاد نویسنده:

با نام استاد، از راه قلم او آشنا شدم، شاگرد دورهٔ ثانوی مکتب بودم که مجلهٔ شرعیات به‌دستم افتاد؛ استاد در آن سال‌ها مسئولیت نشر آن مجله را به‌عهده داشت. عجلتاً سرمقالهٔ مجله را که الزاماً به قلم مدیر مسئول می‌بود خواندم؛ سلاست، روانی و گیرایی آن، محتوای بلندی را که در خود پروریده بود، حتی برای منی که در عُنْفوانِ شباب^۱ قرار داشتم و هنوز مبادی علوم را نیاموخته بودم، آسان، جذاب و آموزنده ساخته بود.

البته از آن به بعد، افتخار عضویت «نهضت اسلامی» را پیدا کردم و به پیروی از راهی که استاد، رهبر آن بود، مباهات می‌کردم، فرصت فراوانی برای مطالعهٔ آثار استاد پیش آمد؛ اما باید اعتراف کنم که وقتی به من پیشنهاد گردید که «جنبه‌های ادبی آثار استاد» را مورد مذاقه قرار دهم، از فرط شادی، بی‌اختیار آن را پذیرفتم؛ ولی حینی که قلم به‌دست گرفتم، تا چیزی بنویسم، شعر حضرت حافظ به یادم آمد:

که عشق آسان نمود اوّل، ولی افتاد مشکل‌ها^۲

خود را عاجز و زیون یافتم، چنان‌که بیمار شدم، گویی معروض به قبض‌القلم گردیدم. همان‌طوری که سلف دانشمند من - استاد شیرزاد -

۱. ابتدای جوانی و بهجت آن. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا.

۲. نگاه: دیوان حافظ، ص: ۱۵.

در سال پار در نگارش همین مضمون گفته بود:
 «..اما به زودی دریافتیم که کلام رهبر شهید بافتار خودویژه‌ای دارد که
 به کهکشانی از معرفت می‌ماند..»^۱
 دریافتیم که من شایستگی پرداختن به این مهم را ندارم؛ کلام استاد
 ربانی را، کسی همچون خودش - در همان ابعاد علمی و احاطه فرهنگی -
 می‌تواند نقد و تفسیر کند.
 به هر حال:

من طریق سعی می‌آرم بجا
 لیس للإنسان إلا ما سعی
 گر نشد از سعی کار من تمام
 من در آن معذور باشم والسلام

مقدمتاً باید بگویم که در این مختصر، منظور ما از ادبیات، معنای
 خاص کلمه است که بلاغت و فصاحت از ارکان مسلم آن می‌باشد؛ و بر
 مبنای آن استحکام متن به وجود می‌آید؛ نه ادبیات به معنای عام آن که در
 برگیرنده تمام میتود نظم و نثر زبان است. هرچند استاد شهید در زمینه
 اخیر نیز تبحر داشتند؛ اما از آنجایی که پرداختن به این شق، عرصه کاری
 ایشان نبود، من اثری در این حوزه از آن شهید در دست ندارم.

آثار مکتوب و ملفوظ، استاد را می‌توان به پنج بخش تقسیم کرد:

- ۱- آثار دینی محض؛ چون ترجمه تفسیر «فی الظلال القرآن»؛
- ۲- تاریخ‌گونه‌ها؛ چون: «محمد Y نخستین مربی و آموزگار
 بشریت،

ابوبکر یار راستین پیغمبر Y،

عمر دومین فرزند مکتب دوران‌ساز و حیات‌آفرین اسلام،

عثمان فداکار سنگر پرافتخار ایمان،

علی گران‌مایه‌ترین شاگرد مکتب اسلام و نخستین فدایی راه حق..

- ۳- نبشته‌های سیاسی استاد؛ چون:

۱. نگاه: نگاهی به آثاری از استاد شهید، ص: ۱۸۳.

چه نوع مُبارزه؟،
استقلالِیّت انقلاب،
آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی،
یادی از دو شهید،
- سکوت وحشتناک..

۴- نامه‌ها، پیام‌ها و خطابه‌ها؛ چون:
قیام توفنده در قلب کشور،
مجموعه‌ای زیر نام پیغام رهبر..

۵- مجموع سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های استاد که خوشبختانه به
همّت «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» تاکنون بخشی از آن‌ها در چهار
مجلد به چاپ رسیده‌است.

امیدوارم با این تذکر، «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» به جمع‌آوری
و نشر نامه‌هایی پردازد که بی‌گمان نزد بسیاری از دوستان و یاران استاد
موجود است. باور دارم که این نامه‌ها، علاوه بر دربرداشتن ذکاوت و
محاسن ادبی، حاوی بسا از خاطرات سیاسی و تاریخی است که به‌مثابه
نص، برای بازنویسی تاریخ نسل ما، کارآمد خواهد بود.

پرداختن به تمام بخش‌های مذکور نه درخور حوصله مجلس است
و نه در حوزه صلاحیت این حقیر، من از حیات این دریای ناپیداکنار،
بخش دوم، یعنی آنچه را که خودم جسارتاً «تاریخ‌گونه» نام نهاده‌ام
برمی‌گزینم. زیرا اولاً؛ به این عقیده‌ام که شاهکار نگاشته‌های استاد،
همین پنج مقاله است. چه، در این مقالات کمال دقت و امانت در نقل و
درج خبر را، با تفسیر و تبیین امروزی، از آن به‌طور توأم می‌بینیم؛
ثانیاً؛ این نوشته‌ها از استحکام خاصی برخوردارند؛ یعنی که از
«ادبیّت» بیشتر بهره گرفته‌اند.

اینک برای مورد اول از رساله «محمد Y نخستین مربی و آموزگار
بشریّت» مثالی می‌آوریم: «رسول اکرم Y اصحاب را مکلف می‌ساخت
که تعلیم و تربیت را عمومیت بخشند؛ چنان‌که طبرانی به روایت از

عَلَّقَمَه آورده است که رسول الله Y فرمودند:

«چه باشد حال آن قومی که همسایه‌های خویش را فقیه نمی‌سازند و آنان را تعلیم نمی‌دهند و پند و نصیحت نمی‌کنند و آنان را امر و نهی نمی‌نمایند و چه باشد حال آنانی که از همسایه خویش علم فرا نمی‌گیرند، پند آنان را نمی‌شنوند و فقه را فرا نمی‌گیرند، قسم به خدا! یا حتماً مردم همسایه‌های خویش را تعلیم می‌دهند و یا اینکه آنان را به‌زودی عقاب می‌کنم. در این جا گروهی از مردم از یکدیگری خویش پرسیدند: چه فکر می‌کنید، هدف پیغمبر اکرم Y چه بود؟

رسول خدا فرمود: اشعری‌ها مردم فقیه‌اند؛ اما همسایگان شان اعراب سخت‌سرنند. این فرموده رسول خدا را، چون اشعری‌ها شنیدند، به نزد رسول خدا آمده و اظهار نمودند:

یا رسول الله! خبر شدیم، گروهی را به نیکی یاد کردید و از ما اظهار نارضایتی نمودید، پس گناه ما چیست؟

رسول خدا سخنان قبلی خود را تکرار کرد؛ آنان گفتند: مگر حتماً دیگران را پند بدهیم؟ این سخن را تکرار کردند، رسول اکرم Y مکرراً ایشان را به این مکلفیت‌ها توصیه نمودند، پس یک سال مهلت خواستند؛ تا در خلال آن، همسایه‌های ناخوان خویش را تعلیم بدهند و آنان را موعظه نمایند.»

از خلال این حدیث نقاط عمده‌ای را در تربیت والای پیغمبر اسلام ملاحظه می‌کنیم. در این جا می‌بینیم که اسلام مثقف و عالم را مکلف می‌سازد؛ غیر مثقف را تربیه و جاهل را علم یاد می‌دهد؛ تا بدین وسیله ملت در مسیر پیشرفت، به تندی گام بردارد و به این ترتیب تعلیم و تعلم هر دو در نظام تربیتی اسلام اجباری و الزامی اعلام می‌شود و احتکار علم منسوخ می‌گردد.^۱

و اما برای مورد دوم که همانا چگونگی آرایش کلام و پردازش به صنایع ادبی در نبشته‌ها و سخنان استاد است، باید گفت که استاد در

۱. نگاه: محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت، ص: ۲۹ - ۳۰.

عین حالی که نویسنده توانا بود، سخنور ماهر نیز به حساب می‌آمد؛ چه، استاد چنان سخن می‌گفت که می‌نوشت؛ میان زبان نوشتار و زبان گفتار استاد تفاوت اندکی به ملاحظه می‌رسید. این ادعای مرا دست‌اندرکاران تدوین آثار او بهتر می‌دانند.

تفحص در جنبه‌های ادبی نبشته‌های استاد، چنان‌که پیش از این اشاره کردم به محک‌گرفتن اصول بیان و جست‌وجو در به‌کارگیری صنایع ادبی - اعم از لفظی و معنوی - در آن‌هاست و آن‌طوری که در تعریف علم معانی گفته‌اند:

«شناختن کیفیتِ مقال به مقتضای حال، و غایتِ آن صیانتِ ذهن است از خطا در تطبیق کلام به حسب مقام..»

به‌عبارتِ دیگر فایده علم بیان انتقالِ ذهن از معنای ظاهر به معنای باطن است و فایده علم بدیع دریافت محاسن عارض سخن و مراعات صنایع به‌کار رفته در آن است. همین‌گونه‌است که در این معنی گفته‌اند:

«بلاغت به معنا تعلق دارد و فصاحت به لفظ. چنان‌که مشهور است، معنای بلیغ و لفظ فصیح.»

معانی بلیغ آن است که معانی الفاظ بر حسب مرام و مناسب مقام بود. الفاظ فصیح آن است که موافق محاوره و گفتار روزمره اهل زبان باشد. این‌ها و آنچه که در حوزه علم بیان و بدیع گفته می‌شود، در کلام منظوم بیشتر از کلام منثور رعایت می‌گردد. در نبشته‌های استاد کاربرد ویژه‌ای یافته‌اند. نمونه را در داستان ایمان آوردن حضرت عمر از نظر می‌گذرانیم.

«بلی! فاروق اعظم، تا چند لحظه پیش از شنیدن آیات بینات کلام‌الله از دشمن‌ترین دشمنان رسول اعظم بوده و روی این تصمیم و انتخاب، مشرکان قریش وظیفه داشت که با شمشیر برهنه‌اش رهبر بزرگ اسلام حضرت محمد Y را به قتل برساند؛ اما چون آیاتی از سوره طه را که هدایت می‌دهد -

﴿طه﴾ مَا أُنزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى * إِلَّا تَذَكَّرَ لِمَنْ يَخْشَى * تَنزِيلًا

مَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَىٰ

«ای پیغمبر! ما قرآن را برای تو نفرستاده‌ایم؛ تا [از غم ایمان‌نیاموردن کافران و نپذیرفتن شریعت یزدان] خویشتن را خسته و رنجور کنی؛ لکن آن را برای پند و اندرز کسانی فرستاده‌ایم که از خدا می‌ترسند [و از او اطاعت می‌کنند] از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمان‌های بلند آفریده‌است.» - به گوش دل شنید، به یکبارگی سرپای وجود او عوض گردید و از یک دشمن سرسخت، به یک پیرو سرسپرده تبدیل شد. در آن حال کدام شرایط اقتصادی جدید نبود که فکر و مغز، قلب و روح عمر را عوض کند، فقط یک چیز بود و آن شنیدن آیاتی از قرآن مجید.^۱ داستان ایمان‌آوردن حضرت عمر را، طبری و دیگر مؤرخین آورده‌اند و صفات عدیده‌ای را به این داستان اختصاص داده‌اند، دیگران نیز خلاصه‌ای از این داستان را در نوشته‌های خویش به شکل تلمیح آورده‌اند؛ اما باید اعتراف کنیم که آنچه در بالا در مبادی و تعریف فصاحت و بلاغت گفتیم، تلمیحی به این اختصار ایجاز کم‌تر دیده‌ام: اما چون آیاتی از سوره طه را به گوش دل شنید، به یکبارگی سرپای وجود او عوض گردید و از یک دشمن سرسخت به یک پیرو سرسپرده تبدیل شد.

در این یک جمله مختصر صناعی چون: ایجاز، طباق، تضاد و تلمیح را می‌بینم و ترکیباتی که از کلمه «سر» آورده: سرپای، سرسخت و سرسپرده، چیره‌دستی نویسنده را به خوبی نشان می‌دهد. اما به دلیل فراوانی امثله، در این خصوص، ضرورتی به پرداختن بیش از این به آن، نمی‌بینم؛ در عوض به چند نکته دیگر اشاره می‌کنم که تاکنون کسی به آن‌ها نپرداخته‌است.

«آنچه را که کیفیت تطبیق سخن به مقتضای حال مخاطب گفته» می‌شد، امروزه «ارتباط زبان با جهان و زندگی» می‌خوانند و به گفته

۱. طه / ۱-۴.

۲. نگاه: محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت، ص: ۴۹ - ۵۰.

«استاد شیرزاد» به آن «نام‌های چون بافت حاکم بر سخن»^۱ می‌گذارند. قصه به تعاریف و حدودی که قُدما بر آرایش کلام قایل شده‌اند، چیزهای جدیدی افزوده گردیده‌است؛ یکی از عواملی که «بافت حاکم بر سخن» را تضمین می‌کند، رعایت دستور زبان است؛ همین‌طور به‌کارگیری علائم سجاوندی، نه تنها مکمل الفبای زبان شمرده می‌شود که در تداعی معانی سهم ارزنده دارد.

از این منظر در نبشته استاد، نکات آتی را می‌یابیم:

- ۱- وزن طولی: این اصطلاح بر ساخته متأخرینی، چون مهدی اخوان الثالث است. برای درک مفهوم آن ابتدا باید وزن عرضی را بدانیم؛
- ۲- وزن عرضی: همان تساوی طولی ارکان مصراع‌ها را می‌گویند که در شعر قدیم رعایت آن حتمی بوده‌است: چنان‌که وزن مثنوی را این‌طور می‌یابیم:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلات، فاعلاتن فاعلاتن فاعلات.

اما وزن طولی ناظر بر تداعی و توالی معنا و وزن در طول مصراع‌های یک منظومه است. در صورتی که کلام منثور باشد، حرکت قلم نویسنده در محور عنوان و احتراز از طفره‌روی و پرداختن به مسایل جانبی، به مثابه رعایت وزن طولی در کلام منظوم است. یک‌بار دیگر به شهکار فناپذیر استاد؛ یعنی به رساله «محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت» مراجعه می‌کنیم.

استاد این مقاله را با آوردن این حدیث آغاز می‌کند:

﴿إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا...﴾^۲

(یعنی من به صفت مربی و آموزگار مبعوث شده‌ام.)

تا پایان مقاله، هرچه شواهد و امثال از کتاب الله، احادیث رسول الله و کارنامه اصحاب کبار می‌آورد، در تأیید همین معناست. چنان‌که در سراسر این رساله، جمله‌ای، چه می‌گوییم، کلمه و حتی حرف زاید و

۱. نگاه: نگاهی به آثاری از استاد شهید، ج: ۱، ص: ۱۸۶ - ۱۸۷.

۲. نگاه: سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۲۲۹.

به‌دور از محور تعیین شده نمی‌یابیم.

پایان این مقاله، چگونگی سفارت مُغیرَة بن شُعْبَة نزد یزدگرد سَوَم است که با سخنان تند، بی‌پیرایه و بی‌ملاحظه مُغیرَة، این‌طور پایان می‌یابد:

«پس تو اکنون می‌توانی انتخاب کنی، یا با قبول ذلّت جزیه می‌پردازی، یا زبان شمشیر با تو حرف می‌زند و یا مسلمان می‌شوی و خود را نجات می‌دهی.

یزدگرد گفت: با این کلمات مرا مخاطب می‌سازی؟
جواب داد: آری!

و استاد شهید چنین نتیجه می‌گیرد:

«در این جا ملاحظه می‌شود که چادر نشینان امّی که به‌دست توانای رهبر انسانیت، تربیت یافته‌اند، اینک دارای منطق رسا و کوبنده‌ای شده‌اند که در برابرشان هیچ منطق و فرهنگی، یارای مُقاوَمَت را ندارد.»^۱
و مقاله را این‌طور به پایان می‌برد:

«آری! این همه محصول تربیت والا و توجیه عالی پیامبر بزرگ است.»^۲

۳- ویژگی‌های دستوری: رعایت هرچه تا کنون گفتم، بدون التفات به پیروی از دستور زبان بیهوده‌است. بافت حاکم بر سخن ممکن نیست؛ مگر اینکه مطابق به قواعد دستوری زبان باشد. زیرا دستور یکی از سه یا چهار دستگاهی است که زبان را می‌سازند. به‌عبارت دیگر دستور، یکی از عناصر سازنده‌ای زبان است.

دستگاه‌های دیگر عبارت‌اند از دستگاه آوایی، دستگاه واژگان و دستگاه خط. استاد بر قواعد دستور زبان‌های فارسی و عربی مسلط بود. شاید به ندرت بتوان در دست‌نویسی او خطایی پیدا کرد. اما از آنجایی که زبان نوشتار نمی‌تواند بر کنار از زبان گفتار باشد؛ در نبشته‌های استاد، برخی از ویژگی‌های گوش‌های تاجیکی به مشاهده می‌رسد.

۱. نگاه: محمّد ۷ نخستین مربی و آموزگار بشریت، ص: ۳۳.

۲. همان، ص: ۳۳.

دانشمند زبان‌شناس دکتور روان فرهادی،^۱ لهجه‌های گفتاری زبان فارسی دری را به دو شعبه تقسیم می‌کند:

۱- شعبه یا دسته شرقی که به دو شاخه لهجه‌های تاجیکی و لهجه‌های خراسانی تقسیم می‌شود؛

۲- دسته غربی که فارسی گفتاری و لهجه‌های غرب ایران را در بر می‌گیرد.

فرهادی می‌نویسد:

«لهجه‌های گفتاری تاجیکی ماوراءالنهر، با لهجه‌های گفتاری دری افغانستان به شمول بدخشان، بلخ، تخار، اندراب، پنجشیر، سالنگ، پروان، کابل و لغمان داخل یک دسته است..»

با این حال، زبان هریک از مناطق ذکرشده، در فقره مذکور، دارای ویژگی‌هایی است که یکی را از دیگری متمایز می‌سازد. چنان‌که در گویش‌های تاجیکی و ماوراءالنهر و بدخشان، دو ویژگی ممتاز وجود دارد:

الف: پیشاوندهای صیغه‌های فعلی، از آن جمله: صفت فعلی + گی، در مثال‌های ترسیدگی، گریختگی و غیره..؛

ب: افعال پیاپی یا تتابع فعلین و در بعضی موارد، تتابع فعل‌ها: صفت فعل + شکل مصدری + فعل + فعل.. بوده باشد، گرفته رفتن، برآمده رفتن.

۴- به کارگیری علایم سجاوندی و روش‌های نوشتاری جدید: الفبا و به تأسی از آن، آنچه که اصطلاحاً املاً خوانده می‌شود، یک پدیده تکاملی و در حال دگرگونی است. برای زبان فارسی، از همان آغاز گذشتن از الفباهای پهلوی، کوشانی، سغدی و حتی عبری و دیوناگری به الفبای عربی، یک پروسه طولانی بوده که تا هنوز به پایه اکمال نرسیده است. مسئله تطابق آواها و واج‌های فارسی بر الفبای مأخوذ از زبان‌های سامی،

۱. برای آگاهی بیشتر در مورد دکتور عبدالغفور روان فرهادی نگاه شود: شخصیت‌های کلان افغانستان، ص: ۲۲۶.

تا حال - چنان که باید - حل نشده است. در دیگر کشورهای فارسی زبان، نهادهای زیرنام فرهنگستان، حل این مهم را به عهده دارد. از همین جاست که در نگاشته‌های مؤلفین مختلف، صورت‌های مختلف املائی یک کلمه را می‌بینیم؛ حتی در یک نوشته، یک کلمه به چند صورت آمده است. ظهور وسایل الکتریکی ثبت خط، از قبیل کامپیوتر، به این مشکل پایان نداده؛ چه بسا که تایپست‌های کم‌سواد، صورت اصلی و صحیح کلمه را ترک و صورت مورد علاقه خویش را درج می‌نمایند.

در نوشته‌های استاد، این قبیل نابسامانی بسیار است؛ و از این لحاظ هرچه به عقب می‌رویم، به آشفتگی بیشتر روبه‌رو می‌شویم. چاپ ترجمه «فی‌الظلال القرآن» که در سال ۱۳۵۲ هـ.ش، توسط مطبعه دولتی وقت صورت گرفته، یک افتضاح است. هم در مقدمه‌ای که به قلم استاد نوشته شده و هم در مقدمه مؤلف، هیچ سطری را بدون غلطی نمی‌یابیم. به این چند سطر توجه نمایید:

«مَنْتَ خدایراست [به‌جای خدای راست] که به من توانائی [به‌جای توانایی] آنرا بخشید؛ تا قسمتی از این اثر گران‌بها را بدری [به‌جای به‌زبان دری] در آوردم، و خیلها [بجای خیلی‌ها] احساس سعادت می‌کنم که این کتاب به مناسبت میلاد رهبر بشریت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم [که بعد از سلم کامه ساقط گردیده] گرامی‌ترین فرزند آدم [باز کامه یا دش (-) ساقط گردیده] گرامی‌تر از آدم [که علامه کامه بی‌جا به کار برده شده]، و اولاد آدم به طبع می‌رسد.»

خوش‌بختانه «دفتر تدوین آثار استاد شهید»؛ تا جایی به این نابسامانی‌ها رسیدگی کرده و بسیاری از این آشفتگی‌ها را برطرف ساخته است. با این حال امیدوارم که کارایی اینان - از لحاظ کیفی و کمی - سیر صعودی و رشد تکاملی داشته باشد.

نگاهی به «پیغام رهبر، جلد اوّل»؛

نویسنده: حجة الإسلام والمسلمين، سيّد هادی هادی؛

مکان: کابل ستار؛

زمان: پنج شنبه، ۶ / ۲۷ / ۱۳۹۴ خورشیدی.

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَا

چهارمین سالگرد شهادت پرافتخار پروفیسور برهان‌الدین ربانی، رهبر جهاد و مقاومت و رئیس دولت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح را به خانواده ایشان و ملت مظلوم افغانستان تبریک و تسلیت می‌گویم و همین‌طور از برادر عالی‌قدر و تلاشگر، جناب آقای آماج سپاسگزاری می‌کنم که مسئولیت مهم، بارز و ماندگاری را - که عبارت از جمع‌آوری آثار استاد ربانی شهید است - به‌عهده گرفته‌اند و به‌عنوان یک انسان امین و مخلص، مسئولیت خود را در برابر نسل آینده کشور به‌وجه احسن ادا کردند و همچنین برای چندمین بار است که از آثار ایشان رونمایی می‌کنند و از دانشمندان و فرهیختگان دعوت کردند و برای این‌جانب هم افتخار دادند که در تشریح پیام‌های استاد شهید و آن عالم فرزانه و اندیشمند، مقاله مختصری داشته باشم.

پروفیسور برهان‌الدین ربانی، شخصیت بزرگ، متفکر و دعوتگر دل‌سوز و مهربان، که بیش از نیم‌قرن فریاد بیداری را سر داد و پرچم آزادی را به‌دوش کشید و مبارزه فرهنگی را در دانشگاه کابل با جوانان هم‌دوره‌اش آغاز کردند و در زمان تجاوز بزرگ‌ترین قدرت هیولایی و جهنمی اتحاد جماهیر شوروی سابق، لباس رزم به‌تن کرده، مبارزه

مسئله‌خانه را شروع کردند و از آنجایی که ایشان از عالمان برجسته و از دانشمندان شایسته و چهره شاخص بودند، در رأس رهبری مجاهدین قرار گرفتند و وارد عرصه‌های فرهنگی، جهادی و سیاسی برای آزادی و استقلال و حاکمیت عدالت شدند و در زمینه حاکمیت حکومت اسلامی را در سرزمین ملت قهرمان و شهیدپرور افغانستان فراهم ساختند و برای استمرار نظام الهی جان خویش را نثار و با خون رنگین خود، درخت صلح را آبیاری کردند.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

من از میان پیام‌های ایشان - که در دسترس من قرار داشت، با فرصت کوتاهی که در اختیار داشتم به سه پیام ایشان اشاره می‌کنم:^۱
پیام اولی پیام مهمی است که به‌عنوان راهکار برای مجاهدین و فرماندهان دوران جهاد داد و اهداف اساسی خود را به مبارزین پیکارجو بیان کرد، این پیام با آیه ۴۱ سوره حج آغاز می‌شود:
﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۲
(مؤمنان کسانی‌اند که چون به آنان در زمین قدرت بدهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به نیکی امر و از بدی نهی می‌کنند و عاقبت کارها به خدا مربوط است.)

در این آیه‌ای که آن را در سرلوحه پیام خود قرار داده‌است، کاملاً روشن است که قیام برای رفع و دفع تجاوز و آزادی و استقلال کشور و ایجاد نظام دینی و احیای حکومت اسلامی می‌باشد.

آیه ۴۱ سوره حج، نظام الهی را چنین بیان می‌دارد که اولین کار

۱. ماعدا این سه پیام این‌هايند: ۱. پیام نوروزی؛ ۲. پیام‌های عیدی؛ ۳. به‌مناسبت ششمین سالگرد قیام ۲۴ خوت؛ ۴. در پیوند به حق خودارادیت ملت مظلوم آذربایجان و تاجیکستان؛ ۵. به‌مناسبت هفتمین سالگرد شهادت قهرمان ملی و هفته شهید و ۶. به‌مناسبت وفات امام خمینی.

۲. حج / ۴۱.

در این نظام، ارتباط با خدا و تسلیم محض و بندگی پروردگار است و از دوستی با گمراهان پرهیزد و دائماً خود را در محضر خدا ببیند و از هرگونه فتنه، جنایت و تجاوز به مال و جان مردم اجتناب کند و همچنین نماز را برپا داشته و در ترویج آن تلاش جدی داشته باشید. مطمئناً کسان همراه با نمازند، برای جلب رضای خداوند و خدمت به مردم تمام تلاش خود را به کار می‌بندند و زکات را می‌پردازند. استاد ربانی شهید در اولین قسمتی از پیام‌های هدایت‌گرایانه خود، به رزمندگان «جمعیت اسلامی» می‌نویسد:

«ای آنانی که به فرمان رب‌الجلیل با شورش و شوق بی‌نهایت، وارد معرکه خونین شده‌اید و با دست خالی در پناه رعایت حق تعالی علیه قشون خون‌آشام روس که تا دندان مسلح است، می‌رزمید، نجات کشور عزیز و بنیان‌گذاری حکومت اسلامی، بزرگ‌ترین هدف‌تان، حصول رضای خداوند و شهادت در راه او عالی‌ترین آرمان شماست. شما بر مبنای تعالیم تابناک اسلام مبارزه می‌کنید، منظورتان به دست آوردن جاه و جلال، مال و منال، نام و شهرت، لَجه^۱ و غنیمت، خودکامگی و هوس‌رانی نیست. چه اینان همه مخالف هدایات الهی و رهنمودهای پیامبر محبوب و گرامی ماست.»^۲

استاد؛ در پیامی که برای جوانان دارد، فرمایش‌های گران‌سنگ این‌چنینی دارند:

«برادران و خواهران رزمنده و دلیر و جوانان جان‌برکف پوهنتون و لیس‌های مرکز! السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ، وبعد:

سلام بر شما فرزندان صُدیقِ مَلّتِ مؤمن و قهرمان افغان که در حسّاس‌ترین شرایط تاریخ کشور عزیز، نقش سازنده خود را به‌عنوان

۱. لَجه و یا لَجه؛ غوغا، آواز و فریاد را گویند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

۲. نگاه: پیغام رهبر، جلد اول، ص: ۱۸.

پیش‌آهنگان انقلاب دوران‌ساز اسلامی انجام داده‌اید.^۱
 البته که این پیام‌ها در دوران سیاه ستم حکومت اختناق فرزندان
 روسی بوده‌است.

استاد با استفاده از آیاتی که در باره حضرت ابراهیم، موسی و
 انبیا P شرف نزول پیدا کرده‌اند، نسل جوان را پرتحرک، فعال و
 پرتلاش می‌خواند که نقش جوان در تحولات و انقلاب‌ها، سرنوشت‌ساز
 و گره‌گشا و دشمن‌برانداز است و این جوانان است که بت‌ها را می‌شکنند
 و طاغوت‌ها را سرنگون می‌سازد و عدالت را برپا می‌دارد.

آری؛ همچنین در فرازی از پیام‌شان چنین می‌فرمایند:

«برادران و خواهران محصل و دانشجو!

نیروی جوان در تاریخ پرافتخار اسلام، به‌حیث عظیم‌ترین قدرت
 سازنده و متحرک معرفتی گردیده و دگرگونی‌های عظیم در انقلاب‌های
 اسلامی توسط نسل جوان آغاز و رهبری شده‌است، قرآن - حیات‌بخش
 و این مشعل فروزان حقیقت - آنگاه که از مبارزات انبیا P
 صحبت می‌کند، از جوانان رزمنده‌ای نام می‌برد که اسمای‌شان در دل
 تاریخ برای ابد ثبت است.^۲

این چنین پروفیسور برهان‌الدین ربانی؛ مؤسس دولت اسلامی در
 پیامی که به‌عنوان کنفرانس صدوپنجاهمین سال تأسیس دارالعلوم دیوبند
 می‌نویسد، علما را به مسئولیت‌ها و رسالت‌های‌شان فرا می‌خواند و
 وضعیت جامعه اسلامی و مخصوصاً کشور افغانستان و جنگ و
 کشتاری که به‌نام علمای دین جریان دارد و فتنه‌ای را که در جهان اسلام
 علیه اسلام بیداد می‌کند. در این پیام به‌تصویر می‌کشد و خاموشی و
 اغماض علمای جهان اسلام را نیکو نمی‌داند. از علمای جهان اسلام
 و مخصوصاً از بزرگان علمای کشورهای اسلامی، دعوت می‌کند که
 به غایله‌ای که دشمنان دین برپا کردند، خاتمه ببخشند و در این راستا

۱. نگاه: پیغام رهبر، ص: ۲۵.

۲. همان، ص: ۲۵.

چنین می‌فرماید:

«بی‌تردید مدرسه دیوبند که به ده‌ها هزار دانشمند بزرگ را از خاور و باخترزمین پرورده و استادان ما که در افغانستان از محضر ایشان آموخته‌ایم، از جمع آنان بوده‌اند - که خدا^۱ آرامگاه آنان را گوارا سازد - در رهبری فرزندان امت اسلامی و آشنایی آنان با دین اسلام نقش پیش‌آهنگ داشته‌است و در همه معرکه‌هایی که ملت مسلمان افغانستان در برابر تجاوزگران و استعمارگران در گذشته و حال رزمیده‌است، در برابر انگلیسیان و ارتش سرخ، علما و شاگردان آنان، در پیشاپیش مجاهدان قرار گرفتند و با خون‌های مطهر خویش زمین کشورشان را آبیاری کردند و از آبروی اسلام و کرامت آن، با همه دار و ندار، به دفاع پرداختند و الگوی خوبی از امت نکویی بودند که برای مردم برون آورده شده‌اند که به پسندیده امر می‌کنند و از زشتی باز می‌دارند،^۲ پس خدای، آنان را از سوی ما و اسلام پاداش نکو دهد.»^۲

۱. تلویح به آیه ۱۱۰ سوره مبارکه بقره است که می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (شما بهترین امتی‌اید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است، از آنان با ایمان‌اند و بیشتر ایشان فاسق‌اند).

۲. نگاه: پیغام رهبر، ص: ۸۶.

نگاهی به «خط رهبر جلد چهارم»؛
نویسنده: پوهنیار سیّده مژگان مصطفوی،
معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ؛
مکان: کابل ستار؛
زمان: پنج‌شنبه، ۶/۲۷ / ۱۳۹۴ خورشیدی.

به نام خداوند جان و خرد

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ.^۱
با قرائتی که من از تاریخ دارم، در فرایند تاریخ، سه نوع انسان
اثرگذار را می‌شناسیم:

نخست؛ انسانی که با استمداد جریان و طیف‌های ویژه اجتماع، در
تاریخ اثرگذار بوده است؛

دوم؛ انسانی که با استمداد حاکمیت و با استفاده از حمایت و مسند
قدرت ابتکار اثرگذاری را داشته‌اند؛

و سوم؛ انسانی که با استمداد خلاقیت، پرورش انرژی ذاتی و ظرفیت
فکری خویشتن، موفق به تأثیرگذاری و ایجاد دگرگونی در مناسبات
سیاسی، اجتماعی و اخلاقی اجتماع و انسان‌ها شده‌اند.

در این نبشته فشرده، تلاش و تمرکز بر آن بوده است. تا پیرامون
ابعاد شخصیت و تأثیرگذاری مردی که با استمداد قلم و قدم، در سه‌ونیم

۱. ستایش از آن خدایی است که پروردگار جهانیان است. پس از آن درود و سلام بر محمد
و بر آل محمد.

دهه گذشته، نقش مثبت در فرایند مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته، سخنانی گفته شود.

نگرش استاد در حول و حوش رویدادها:

استاد ربانی، از رهبران ویژه‌ای بود که از متن جامعه، با دیدگاه ویژه خود، قرائت، استدراک و شناخت مشخص خود را داشت. نحوه نگرش او بر ژرفای رویداد معمولاً به صورت افقی و عمودی ارایه می‌شد. پیش از ارایه هرگونه واکنش، ابعاد کنش و علت را ریشه‌یابی و با تبیین ریالستیک، بعد از حلّاجی رویداد، به اتخاذ موقف مبادرت می‌کرد، در شگرد ارایه دیدگاهش، واقعی‌بینی و استدراک روشن، مبین بود.

به تاریخ ۱۵ عقرب سال ۸۶ هنگامی که رویداد خونین بغلان^۱ اتفاق افتاد. سید مصطفی کاظمی^۲ یکی از پیشکسوتان حوزه جهاد و مقاومت

۱. بغلان؛ یکی از ولایات شمال شرقی افغانستان به شمار می‌رود. مساحت آن ۱۸۲۵۵٫۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن قرار احصائیۀ سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۸۶۳٫۷ هزار نفر تخمین شده‌است. مرکز آن شهر پلخمری است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۵۱ و ۳۶۷.

۲. سید مصطفی کاظمی فرزند سید گل؛ در سال ۱۳۴۲ هـ ش، در ولایت پروان شهرستان «سرخ پارسا» به دنیا آمد. تحصیلات خود را در کابل آغاز کرد و تا مقطع لیسانس ادامه داد. با آغاز جهاد مردم مسلمان افغانستان، در سنگر مبارزه و جهاد قرار گرفت و با شجاعت و درایتی که در دوران جهاد از خود نشان داد، به‌حیث یک فرمانده برازنده و دلیر در جمع پاسداران جهاد اسلامی افغانستان تبارز کرد. او عضو فعال شورای رهبری دولت اسلامی افغانستان بود. بعد از سقوط طالبان، در حکومت انتقالی و مؤقت به‌حیث وزیر تجارت تعیین گردید و یکی از وزرای فعال و دل‌سوز در کابینه به شمار می‌آمد که خدمات فراموش‌ناشدنی‌ای را در طی دوران مسئولیت خویش به انجام رساند. پس از تعیین دولت انتخابی با توجه به تحولات جدید سیاسی در کشور، حزب اقتدار ملی را بنیان نهاد که از طرف اعضای حزب به‌حیث رهبر حزب اقتدار ملی برگزیده شد. به همین ترتیب آقای کاظمی به‌حیث نماینده مردم کابل در شورای ملی و رئیس کمیسیون اقتصادی آن شوری، ایفای وظیفه کرد، روی هم‌رفته به‌عنوان رئیس کمیسیون سیاسی و سخنگوی جبهه ملی به رهبری شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی W برگزیده شد. سرانجام وی در مسیر خدمت به مردم و کشور در ۱۵ عقرب ۱۳۸۶ هـ ش، هنگامی که از سوی پارلمان کشور برای بررسی وضعیت مردم به ولایت بغلان رفته بود، در یک عمل تروریستی به همراه تعدادی چند از نمایندگان مردم در شورای ملی و تعداد کثیری از مردم و کودکان به شهادت رسید. نگاه: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۲-۷، دور ششم، سال ششم، شماره ۲۵، شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۸۶ هـ ش.

با شماری از هم‌سنگران، در این حادثه شهید و قربانی شد. این رویداد، آغاز تنش‌های مرموز و زنجیره‌ای بود که به ادامه آن شخص استاد، نیز قربانی شد.

استاد با صداقت، هشیاری و تیزبینی سیاسی‌ای که داشت. در مورد، چنین ابراز باور کرد:

«امروز ما شاهد اختطاف‌ها، قتل‌های بی‌رحمانه و حملات ظالمانه‌ای می‌باشیم که به خانه‌ها و منازل مردم صورت می‌گیرد... به هر حال باید در ارتباط حادثه بغلان که از حوادث غم‌انگیز است، تحقیق کنیم... باید تجمعات صورت گیرد. صدای مردم بلند شود؛ تا معلوم شود که جنایت‌کار در کجاست و پشت‌سر این حادثه کیست؟ ما باید بدانیم، چه کسانی می‌خواهند، به‌طور دقیق، افرادی را انتخاب کنند و نابود سازند، شخصیت‌هایی را که افراد کلیدی در کشور بوده و حیات و مرگ‌شان برای ملت، اهمیت زیاد دارد، از میان بردارند.»^۱

در نگاه نخست؛ ابراز این باور از عصاره تفکر استاد، بدون شبهه و شک روایتگر و حکایتگر این واقعیت است که سلسله نخبه‌کشی، در افغانستان چکیده تفکر سازمان‌های سیاه امنیتی است که به‌صورت استراتژیک برای نابودی یک جغرافیا و ملت برنامه‌های مذبحانه و مخفیانه دارند. برای جغرافیا و ملتی برنامه می‌کشند که دارند برای دستیابی به صلح، توسعه با استواری می‌خواهد گام‌هایی در مسیر توسعه، پیشرفت و ملت‌شدن بگذارد، ملتی که به‌مثابه ابزار تحقق مطامع پست سازمان‌های سیاه، باید هرروز قربانی بدهد و از احساس و انرژی آن برای بدبختی خودش تمهید و مقدمه بسازند.

استاد ربانی به انگیزه این واقعیت که بیش از سه دهه نحوه نگاه و شناختش بر رویدادها، بر مبنای دید عینی و ریالستیک است. به ژرفنای فاجعه و مصایب با نگرش واقع‌بینانه می‌بیند، او به‌درستی می‌داند که سلسله تحقق استراتژی «جنگ‌های فرسایشی» و سرکوب راهروان و

رهبران راه عدالت، توسعه و بیداری جامعه، از پیش تنظیم شده و مرجع تحقیق و تطبیقش افغانستان است.

استاد در جهت ایقاز، بیداری و زمینه‌سازی برای شرایط هشیاری جامعه و مردم - بر مبنای برداشتی که از نحوه دگرگونی‌های دنیا، کشورهای منطقه و همسایه دارد، با کِیاست و استدراک خردمندان - رهنمودهای جامع و روشن دارد.

در مورد گذار به شرایط آشتی، تغییرات در افغانستان، استاد چنین باور دارد: «در افغانستان باید راجع به تغییرات درست بیندشیم. مسئله آشتی ملی، یکی از قضایایی بود که پارلمان آن را عنوان کرد؛ اما برنامه شورای ملی مورد توجه کسی قرار نگرفت؛ ولی امروز تلاش‌های مخفی در پشت دروازه‌های بسته به جریان افتیده‌است... که نباید این قضایا به عنوان اسرار و راز باشد؛ مسایل ملی باید توسط نهادهای ملی حل گردد. توسط پیوندهای شخصی و فردی و وابستگی‌های فامیلی نمی‌توان در قضایای ملی تصمیم گرفت.»^۱

اکنون بعد از گذشت سال‌ها پیوند، تماس و تفاهم با حامیان مخالف دولت، این واقعیت جامه اثبات می‌پوشد که ما برای گذار به شرایط آشتی موافق به بازکردن گره‌های کور فراوان نشده‌ایم و تصمیم‌گیری‌ها از بدایت، تا نهایت، خام، مقطعی و استوار بر شناخت ماهیت مشکلات در پیرامون اصل منازعه نبوده‌است.

ژرفای پیوندهای اجتماعی استاد:

استاد شهید، با نگرش و شناخت ژرفی که از مناسبات جامعه خود داشت، در میان همه اقشار جامعه، نقش، نفوذ و تأثیرگذاری پایداری داشت.

سال‌های هجرت در پاکستان، فرصت طلایی بود. استاد در میان متنفذین، روشنفکران و سران اقوام گونه‌گون، در همه ولایت‌ها برای

۱. نگاه: خط رهبر جلد چهارم، ص: ۹۸.

کسب منفعت بزرگ که آزادی افغانستان باشد، به آن نایل شد. در پکتیا، مشرقی، هرات، لوگر، قندهار، غزنی و همه ولایات شمال افغانستان. استاد با تأمین پیوندهای فکری، موفق برای تحقق هدف متعالی شد. استاد با حذاقت، هشیاری و آینده‌نگری‌ای که یاران و هم‌سنگران مبارزش را به‌گونه‌ی گزیده بود که بیشترین آنان، اشخاصی بودند که تا اکنون با حرمت معنوی فراوان به کارنامه‌های گذشته استاد می‌بینند. استاد در هنگام زندگی، با اخلاص، حسن‌نظر و نوعی اعتماد معنوی نسبت به یاران خویش، بزم و بساط رفاقت، رأفت و معرفت داشت.

به تاریخ ۱۵ عقرب ۱۳۸۷ هـ ش، همایشی به مناسبت سالگشت شهادت عبدالحی حقجو، آمر جمعیت اسلامی افغانستان در بغلان، برگزار گردیده بود، استاد شهید چنین ابراز دیدگاه کرد:

«بزرگ‌ترین عزّت و افتخار برای یک ملت این است که دستاوردهای تاریخی خود را حفظ کنند. ما باید وحدت ملی را از این پیشوایان جهاد، از حقجوی عزیز و یاران او بیاموزیم. او مظهر وحدت ملی بود. امروز جامعه ما مخصوصاً حکومت ما که در فساد غرق شده است، کارمندان و مسئولان این حکومت نیاز دارند، تا از این الگوها، درس فداکاری و تقوی و طهارت بیاموزند.»^۱

مبنا و اساس دوستی و اِرفاق استاد با یارانش، به تأسی از همان اصل مرصوص اخوّت اسلامی بود. اصل تعصب، تفرقه و برتربینی، کوچک‌ترین جایگاهی در قلمرو تفکرش نداشت و بنای حبّ و بغض آن‌ها هم، متکی بر تقوی، راستی، ایمان و معرفت پایدار بود. مرزهای قومی، تباری، قبیله‌ای و عصبیت را به شدّت شکستانده و استراتژی آن تقویت وفاق ملی، همدلی، تقوی و قرابت معنوی در میان یاران بود. استاد در این مورد سخن فشرده؛ اما جامع دارد که تکرارش در این نبشته مملو از محسنات است.

«مسئولیت یاران حقجوسست که راه و عمل او را در زندگی پیاده

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۱۰۷.

کنند. ملت ما در دوران جهاد و مقاومّت، شخصیت‌های بزرگی را از دست داد، در افغانستان، امروز و فردا، هرجرمانی که به قدرت برسد و هردستاوردی که ظهور کند، همه از برکت و تلاش جهاد و مجاهدت مردان مؤمن به دست می‌آید.^۱

کاربرد واژه فردا، ژرفای باور استوار استاد را به اندیشه و تفکرش تأیید می‌کند. استاد در مسیری که با استواری گام برداشت، تأثیر مثبت آن را مشخص به زمان حال نمی‌داند؛ بلکه تأثیرگذاری مثبت آن را برای آینده، یک واقعیت قابل درک تلقی می‌کند. باور استاد بر این دیدگاه استوار است که عمر یک شخص و یک جریان باید محدود به زمان و مکان ویژه باشد؛ اما عمر یک تیوری و اندیشه، ریشه در دل زمان، مکان و آینده دارد.

اگر پیروان راستین تیوری و اندیشه، با صداقت، عزم و بیداری در مسیر مشخص طی طریق کنند، حوزه خدمات‌شان به مکان و زمان ویژه‌ای محدود نشود، بدون شک، حقانیت تیوری و اندیشه آنان مانند روشنی آفتاب در همه مکان و زمان نیاز مبرم و الزامی است.

نیاز به اخوت اسلامی:

استاد به مثابه متفکر دین‌مدار، در مراحل گونه‌گون زندگی، همه کنش و افعال خود را از نص کتاب الله و سنت و اجماع، الهام گرفته بود. به تقارب، تفاهم و نزدیکی مذاهب و جریان‌های اسلامی عشق پایان‌ناپذیر داشت. از دید استاد تقارب، تفاهم و نزدیکی مذاهب، استوارترین نردبانی است که برادران مسلمان را در راستای کسب هدف‌شان مدد و استعانت می‌کند.

به تاریخ ۱۸ عقرب ۱۳۸۷ هـ.ش، کنفرانس بین‌المللی اخوت اسلامی در شهر کابل برگزار شد. استاد در این مجمع فقها، دیدگاهی داشت که محتوای آن دعوت مذاهب و مسلمان‌ها به محور قرآن و کتاب الله بود.

۱. نگاه: خط رهبر جلد چهارم، ص: ۱۰۵.

زنده‌یاد در این مورد گفته بود:

موضوع تقریب؛ از جمله قضایای مهم و نیازهای مبرم جهان اسلام است. قابل ذکر است که در دوره‌های گذشته، در دوره‌اموی‌ها به تأسی از کشمکش‌های خونین گذشته، کشمکش‌هایی در میان اهل سنت و تشیع شروع شد، که نتایج نامطلوبی داشت. اختلاف‌ها بیشتر توسط دولت‌ها و نظام‌های سیاسی به میان آمد؛ اما در میان علما آن‌چنان کشمکش‌ها وجود نداشت؛ ولی در دوره‌های دیگر، ما شاهد تقویت جوّ تقارب بودیم. در عصر امروزی این حرکت به صورت عمده و اساسی در میان علما شروع شد و مسئله تقریب به عنوان یکی از نیازها به صورت عملی جریان دارد. خداوند آزادی تفکر را به مثابه یک حق فطری به انسان‌ها بخشیده و مسلمانان حق دارند در مورد استنباط احکام و در پرتو هدایت ارزش‌ها و نصوص آزادانه فکر کنند.^۱

آزادی فکر و اندیشه، از دید استاد مسئله‌ای است که انسان به مثابه حق ذاتی و فطری آن را از خدا عطیه گرفته است و استنباط و استخراج مسایل با استمداد نصوص کتاب الله مزایایی دارد که تمسک به آن راهگشای بسا از اختلاف‌ها و مشکل‌های امروز و فردای جامعه ماست. استاد تأکید داشت که تقریب و تفاهم مذاهب، باید محدود به نخبه‌ها نباشد؛ نخبه‌ها باید با هم بنشینند، حرف برادرانه بگویند و این نحوه تفکر را به عوام، انتقال و زمینه تعالی و تفاهم پایدار در میان همه مذاهب ترویج گردد.

شکی نیست که در میان مذاهب اختلافاتی بوده و شاید در آینده هم باشد؛ اما این اختلاف به مفهوم دشمنی و کینه با مذاهب نباشد. برای رسیدن به این مأمول، فقها و دانشمندان جهان اسلام مأموریت و مسئولیت مهمی در راستای تقریب و تفاهم مذاهب دارند. بیشترین آسیب‌هایی را که جهان اسلام امروز از سبب آن متضرر شده، شدت کینه و دشمنی در میان مذاهب است که باید بر مبنای نص محکم دین وجود

۱. نگاه: خط رهبر جلد چهارم، ص: ۱۱۳ - ۱۱۴.

نمی داشت.

باور استاد این است:

«..در اثر اخلاص، درایت، صدق و صفای علما و سیاستمداران سنی و سیاستمداران و علمای شیعه، جلو این فتنه‌ها گرفته شد و امروز ما در افغانستان شاهد مجلس اخوت اسلامی‌ایم.»^۱

دیدگاه استاد پیرامون مأموریت و مسئولیت جوانان:

بدون شک در جهان دیروز و امروز، جوانان به مثابه دارندگان انرژی فعال، نقش مبارز و تعیین کننده در سرنوشت جامعه دارند. در دنیای توسعه یافته، بدون تردید استفاده از تجارب سالخوردگان برای تحکیم زیرساخت‌ها اثرگذاری مثبت داشته است؛ اما انرژی فعال و نقش محوری و مبارز، نیروی جوان است که جامعه را در جهت امنیت، ثبات دایمی و توسعه پایدار هدایت و حمایت کرده است.

کشورهایی موفق به توسعه پایدار شده‌اند که از انرژی فعال جوانان استفاده سالم و مؤثر کرده و جوانان مأموریت هدفمندانه خود را تحقق داده‌اند. در گردهمایی که به مناسبت فراغت جوانان برگزار شده بود، استاد برای فارغان چنین هدایتی داشتند:

«شما امروز در برابر امتحان تاریخ قرار دارید. گروه‌های سیاسی تا زمانی که به صورت هماهنگ کار نکنند، اثرگذار نمی‌باشند. مجموعه‌های کوچک نمی‌توانند در مسیر تحولات فعلی، اثرگذاری داشته باشند. اینجاست که باید مجموعه‌هایی که پراکنده کار می‌کنند، به صورت هماهنگ کار کنند. شما جوانان - که رهبران آینده‌اید - باید رهبری تفکرات سیاسی و اجتماعی جامعه خود را به دست خود بگیرید، شما وقتی می‌توانید موفّقانه این رسالت را انجام بدهید، که یکدیگر خود را بشناسید. با همدیگر کار کنید و با اندیشه‌های یکدیگر آشنایی پیدا بکنید. سنت تاریخ است که نسلی به سال رسیده، مسئولیت‌ها، هدف‌ها و

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۱۱۹ - ۱۲۰.

اندیشه‌ها را به نسل بعدی می‌سپارد، رسالتی را که نسل ما به‌دوش کشیده بود، از این به بعد مربوط به شماست. شما وارثِ برحقِ این ارزش‌هایید.^۱

در دنیای کنونی، اندک رهبرانی هستند که با جبین باز و پذیرش مسئولیت، مأموریت‌های ناتمام خود را بر مبنای درک و عقلانی‌نگری، به صورت داوطلبانه به نسل‌هایی که واجد انرژی فعال‌اند، تسلیم دهند. امروز انگیزه اکثر اختلاف‌ها در دنیای ناتوسعه‌یافته، نگرش به هرِم قدرت به مثابه یک حق ارثی می‌باشد و رهبرانی که گرایش‌های «اُتوکراتیک»^۲ یا استبدادی دارند، داوطلبانه آماده نیستند، که تا مسئولیت بزرگ خود را که همانا تفویض و تسلیم مأموریت رهبری به نسل بعدی است، بپذیرند. همین گرایش مستبدانه سبب می‌شود؛ تا روحیه بحران، فساد و تنش در تندیس جامعه به صورت افقی و عمودی ریشه دوانیده، ثبات، توسعه و حتی امنیت پایدار در جامعه نابود گردد.

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۱۷۷.

۲. اُتوکراسی یا یکه‌سالاری؛ به نوعی بنیاد اطلاق می‌شود که دارای این مختصات است:
 ۱- تفوق آشکار یک فرد در رأس سلسله مراتب؛ ۲- فقدان قوانین یا سنت‌هایی که ناظر بر عمل فرمان‌روا باشد؛ ۳- نامحدود بودن قدرت فرمان‌روا در عمل. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۷۲.

پیام و نتیجه‌گیری:

با قرائت و تعریفی که من از شگرد رهبری و نحوهٔ بینش استاد نسبت به رویدادها دارم، به صورت فشرده و کوتاه باید بگویم که استاد در عصر و زمان خویش، از همه مناسبات درونی جامعه، تعریف و شناخت فنی و تخصصی داشت. استاد سیر پیشرفت تمدن و تکنالوژی عصر خود را با دید ریالیستیک درک کرده بود. مأموریت رهبری و دعوت استاد در دوران‌هایی گونه‌گون زندگی، متکی بر عقلانیت، آگاهی دینی و نیازهای مبرم زمان بود.

در شناخت نبض رویدادها و دگرگونی‌های دنیا برابر با نرخ روز قرائت و تعریف داشت. در میان رهبران کشورهای مسلمان و همسایه افق دید استاد کم‌تر از هیچ رهبری نبود. گرایش‌های رهبری استاد، برای گذار به جهت جامعه‌ای که در آن رشد، امنیت و ثبات پایدار بود، بر مبنای گرایش آگاهانه، عقلانی و به تأسی از استدراک روشنفکرانه بود.

استاد شهید توانایی جوشش و قرابت با جریان‌های سیاسی کشورش را خوب بلد بود. پیوند نزدیک، میان او، حضرت آیت‌الله شیخ آصف محسنی، استاد عبد رب الرسول سیاف، مولوی محمدنبی محمدی، محترم استاد اکبری، مرحوم مولوی محمدیونس خالص، محترم پیر سیداحمد گیلانی و حتی حضرت صغبت‌الله مجددی، بیانگر این واقعیت بود.

استاد در اصول و کلیات با همه رهبران کشور، پیوندی بر مبنای اعتماد، اخلاص و اعتقاد داشت؛ اما در فروع و جزئیات، ناگفته پیداست

که اختلاف‌های ملموس و برخی اوقات چشم‌گیر دیده می‌شد. استاد پیوندهای اعتقادی‌اش را دوست می‌داشت. با یاران و هم‌سنگران گذشته‌اش همیشه التفات و عنایت ویژه داشت. با بردباری و شکیبایی که داشت، با رقبایش روش قربت و جوّ اعتمادسازی را بلد بود.

به کار گسترده و متداوم در میان جوانان، روشنفکران و حتی عوام دل‌بستگی و عشق دایمی داشت. افق دیدش به رویدادها به تأسی از نحوه‌ی شناخت عقلانی و دین‌مداری بود. تعصب قومی را مظهر جزم‌اندیشی و نوعی بی‌حرمتی به باورهای دینی‌اش می‌دانست. افزون بر این مواصفات، استاد مواصفات شاخص و متمایز دیگر هم داشت که در این نبشته فشرده، مجال مکث در حول و حوش آن ممکن نیست و - إن شاء الله - در کارهای بعدی، به تعرف ابعاد بکر و تازه آن خواهیم پرداخت.

وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى

نگاهی به «جلد چهارم خط رهبر»
نویسنده: عبد الوهاب عمار، استاد دانشگاه.

خط رهبر جلد چهارم، عنوان اثری گران‌سنگی است که از سوی «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» به نشر رسیده است. این کتاب مجموع ۱۷ خطابه ماندگار رهبر شهید در سال ۱۳۸۷ خورشیدی است که در ۳۱۴ رویه، به تیراژ سه هزار جلد، با قطع رقعی و ویرایش، تصحیح و تحشیۀ مرکز تدوین، با برگ‌آرایی زیبا چاپ گردیده است. زحماتی را که گروه تدوین در رأس، برادر دانشمند فضلی آماج - حفظه‌الله - در مستندسازی آیات، ارجاع احادیث، تحقیق و تصحیح اقوال، اشعار فارسی و عربی، مثل‌ها، ریختگی‌های متن، شرح اسامی، اصطلاحات مختلف و اماکن، با تیم کاری‌شان، حوصله‌مندانه تحمّل کرده‌اند، ستودنی، و سزاوار آفرین است.

کاری را که این‌ها انجام داده‌اند، خطابه‌های دایرةالمعارفی رهبر شهید را، دایرةالمعارفی بر ساخته‌اند که دیگر خواننده برای حل پیچیدگی‌های متن، زحمت مراجعه به فرهنگ‌های لغت، اصطلاحات، اعلام و دیگر منابع را نکشد.

طرح مسئله:

به باور بنده مجموع خطابه‌های رهبر شهید که از آدرس مرکز تدوین، تا به اکنون پخش گردیده - و امیدوارم این کار نیک ادامه یابد -

بهترین، دقیق‌ترین و معتمدترین منبع، در مورد سیاست، جامعه‌شناسی، عناصر سازندهٔ منافع ملی، فرهنگ، اعتدال، میانه‌روی، مفهوم صلح و دیگر مفاهیم، از نظر تیوری و عمل است؛ بل فراتر از این، بنده می‌پندارم سخنرانی‌های رهبر شهید عصاره‌ای از نیم‌قرن تجربهٔ ایشان در عرصه‌های مختلف و آمیخته‌ای از گرم‌وسرد روزگار زیست و تاریخ مبارزهٔ عملی ایشان و نسل هم‌رکاب‌شان است؛ لذا بایستی مراکز علمی، اکادمیک و نهادهای تحقیقاتی، دانشمندان و پژوهندگان، از این میراثِ گران‌بها و حکمت عملی دعوت‌گر و بیدارگر بزرگ جهان اسلام، استفاده کنند.

به دلیل اهمیت فراوان تجربهٔ شهید استاد ربانی در عرصه‌هایی که ذکرش رفت، بر خود حق می‌دهم تا پیشنهاد نمایم که دست‌اندرکاران و مراجع تصمیم‌گیرنده، آثار این دانشمند بزرگوار را از چهارچوب محدودِ همایش‌ها و بزرگ‌داشت‌ها فراتر و گسترده‌تر پخش و نشر نمایند؛ تا به همگان قابل دسترس باشد.

اکنون شما را به خوانش «جلد چهارم کتاب خط رهبر» فرا می‌خوانم:

خطابهٔ چهل و دوم؛

رهبر شهید، به ادامهٔ خطابه‌های گذشته در ۳ جلدِ نخست، در خطابهٔ چهل و دوم که نخستین خطابهٔ این مجموعه‌است، موضوع بسیار مهم و ارزشمندی را بیان داشته‌است، محور سخنان استاد، در این خطابه مفاهیم ذیل است:

اصلاح و بازسازی؛

استاد اهمیت اصلاح و بازسازی را در تاریخ جمعیت اسلامی، بررسی می‌کند و اِذعان می‌دارند که جمعیت حتّی در سال‌های گرمِ جهاد و شرایط دشوارِ هجرت، اصل بازسازی و اصلاح را از یاد نبرده‌است. چنانچه می‌فرمایند:

«اولین بازسازی، از بازسازی فکری و فرهنگی شروع شد. برای اولین بار مجموعه‌ای از جوانانِ مهاجرِ جمعیت، به مدیریتِ شهید شیون

و کفایت‌الله شهید برادر انجینیر اسحاق، جریده دیواری مجاهد را به قلم می‌نوشتند و با اشعار حماسی که خود می‌سرودند، کار این جریده را شروع کردند.^۱

رهبر شهید در ادامه سخنان خود، این موضوع را به خوبی می‌شگافد و فهرست بلندی را از نام جراید، مکاتب و ارگان‌های علمی و تربیتی که جمعیت اسلامی در زمان جهاد به نشر می‌سپرد و به پرورش فکری و فرهنگی فرزندان مهاجرین می‌پرداخت، یادآور می‌شوند که شما به نام دانشگاه عبدالله بن مسعود، دانشگاه حربی جمعیت اسلامی و لیسه مجاهد آشنایی دارید و همچنان از ایجاد مرکز تحقیقات علمی در محیط هجرت یادآور می‌شوند که کادرهای ورجاوندی مانند: استاد خلیل‌الله خلیلی شاعر پرآوازه کشور، پوهاند فاضل، استاد محمدصدیق راشد سلجوقی (مترجم تفسیر فی ظلال، نه نماینده پارلمان) داکتر نصری حق‌شناس نویسنده پرکار و حوصله‌مند و استاد عبد‌العزیز فروغ، در آن‌ها وجود داشتند.

میان‌ه‌روی؛

محور دیگری این خطابه، بحث میان‌ه‌روی و دوری از افراط و خشونت‌گری است. رهبر شهید به صراحت می‌گویند که ما از همان آغاز شکل‌گیری نهضت اسلامی، طرفدار مبارزه فرهنگی بودیم: «...باید این موضوع را روشن بسازم که اگر ما مورد تجاوز اتحاد شوروی قرار نمی‌گرفتیم و آزادی‌های سیاسی ما سلب نمی‌شد، مبارزه ما شکل مبارزه فرهنگی را داشت و ما دست به سلاح نمی‌بردیم؛ ولی وقتی که دیدیم همه دروازه‌های یک مبارزه مسالمت‌آمیز به‌روی ما بسته شد، آن زمان ما دست به سلاح بردیم و اعلان جهاد کردیم. مسئله دموکراسی و انتخابات، از جمله تقاضاهای اولیه ما بود. ما به داود خان نوشته بودیم که ما دیوانه حکومت‌کردن نیستیم. تا زمانی که

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۱۷.

داود خان زنده بود، من سخت تلاش می‌کردم که جنگی صورت نگیرد؛ زیرا برداشت من این بود که داود خان کمونیست نیست؛ اما انسانِ خودخواه و سرکش است.^۱

استاد شهید در این زمینه صحنه‌های مستند و تاریخی موضع‌گیری معتدلانه خود و کادرها و فرماندهان «جمعیت اسلامی افغانستان» را بیان می‌کنند. مبنای استدلال اندیشه اعتدال و خردگرایانه استاد شهید پاره‌ای از آیه ۱۴۳ سورة بقره است که خود ایشان در این سیاق خوانده‌اند.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾^۲

رهبر شهید که خود تاریخ زنده مبارزه و جهاد بودند، این ادعا را با خاطره دل‌چسپی از روزگار فرخنده جهاد، محک می‌زنند:

«در زمان جهاد برای دیدن مجاهدین به چترال^۳ رفته بودم، چندتا، اسیر روسی را آوردند، جوانی از لیتوانیا^۴ در میان آن‌ها بود، در موتر

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۴، ص: ۲۳.
 ۲. بقره / ۱۴۳. ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (و بیگمان شما را ملت میانه‌روی کرده‌ایم؛ تا گواهیانی بر مردم باشید و پیغمبر [نیز] بر شما گواه باشد و ما قبله‌ای را که بر آن بوده‌ای، قبله نکرده بودیم؛ مگر اینکه بدانیم چه کسی از پیغمبر پیروی می‌کند و چه کسی بر پاشنه‌های خود می‌چرخد و اگر چه [تغییر قبله برای کسی که الفت گرفته‌است، بدان رو کند] پس بزرگ و دشوار است؛ مگر بر کسانی که الله ایشان را رهنمون کرده باشد و الله ایمان (نماز) شما را ضایع نمی‌گرداند، بیگمان الله نسبت به مردم پس رؤوف و مهربان است.)

۳. منطقه چترال؛ به نام‌های چترار کاشغر و قاشقار - نیز - یاد شده‌است، در دامنه‌های جنوبی سلسله کوه‌های هندوکش، در قسمت‌های علیای ایالت سرحد شمال مغربی و قسمت انتهایی شمالی وادی دریای کتر، در فاصله ۱۵۰ میل از گلگیت و ۲۰۰ میل از پشاور موقعیت دارد، چترال توسط کوتل‌های متعددی با بدخشان و کتر وصل است، مرکز ایالت چترال، شهر چترال است، این ایالت در مقطع‌های مختلف زمانی تحت تسلط سکندر مقدونی، اردوی چین و مغول‌ها قرار داشته‌است. چترال هم‌چنان در ایام مختلف، تابع بدخشان افغانستان و کشمیر - نیز - بوده‌است. نگاه: www.zamanifamily.com/PDF_Files

۴. لیتوانی؛ کشوری است که در شمال شرقی اروپا موقعیت دارد، مساحت آن ۶۵۳۰۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۲۹۷۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، زبان رسمی آن لیتوانیایی، واحد پول آن «لیتاس» و پایتخت آن شهر «ویلنیوس» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹.

یکجا به سوری پشاور^۱ روان شدیم، خیلی خسته شده بودیم، در میان دیر و چترال کوهی بلندی است، آنجا نشستیم، مجاهدین از موتر پایین شدند، تفنگ کلکوفی - که از روس‌ها به غنیمت گرفته شده بود و آمر صاحب شهید برای من فرستاده بود - گرفتم و شروع کردیم به نشان زدن و در این لحظه متوجه آن جوان اسیر شدم، دیدم که او می‌لرزد، از ترجمان علت لرزه اش را پرسیدم.

جوان گفت: «می‌ترسم که مرا نکشید.»

دیدم که او بیچاره بسیار ترسیده است، او را در موتر خود نشاندم و ترجمان را هم آوردیم، در داخل موتر قصه ما شروع شد. از او پرسیدم: «چه انتظار داری، در برابر تو ما چه کار خواهیم کرد؟»

گفت: «شاید مرا بکشید؛ زیرا من نفرهای شما را کشتم.»

خلاصه، در دنباله صحبت فهمیدم که با دختری نامزد بوده است، او ادامه داد که او را به زور آوردند و همیشه در فکر نامزدش است. برایش وعده کردم که او را نزد نامزدش می‌رسانم.

اول باور نمی‌کرد، بعد که مطمئن شد، خواهش کرد که او را به سفارت روسیه تسلیم نکنیم، او می‌ترسید که او را می‌کشند.

من رئیس صلیب سرخ در پاکستان را دعوت کردم و از او تعهد گرفتم که آن جوان را به سلامت نزد پدر و مادرش برساند و برایم اطمینان دهد و چنین هم شد.^۲

رهبر شهید پایان خطابه خود را به سخنان آغازین خود ارتباط داده خاطرنشان می‌کند که ما همیشه به دنبال اصلاحات و سازندگی‌ایم و می‌خواهیم که در کشور تحولات عمیق و گسترده مثبت به وجود بیاید.

۱. پشاور؛ پایتخت ولایت مرزی شمال غربی کشور پاکستان است. مساحت این شهر ۱۲۵۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۹۵۵۲۵۴ نفر تخمین شده است. مرکز تدوین.

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۴، ص: ۳۳ - ۳۴.

خطابه چهل و سوم؛

این خطابه در یکی از مساجد در ولایت بغلان ایراد شده و بر محور مفهوم جهاد تمرکز دارد. استاد شهید در این سخنرانی، بسیار عالمانه مفهوم جهاد را بررسی می‌کنند و جهاد را فراتر از چهارچوب تنگ باورهای خشک و اندیشه‌های قشری‌نگر، توضیح و تفسیر می‌کند که تکه‌ای از آن را با هم می‌خوانیم:

«جهاد اسلامی؛ یعنی یک حرکت نجات‌بخش و رهایی‌بخش انسان‌های مظلوم است. جهاد اسلامی، تعمیر زمین است. در قرآن کریم می‌خوانیم که خداوند^۱ هدف خلقت انسان را چه نوع تعیین می‌کند؟ خداوند^۱ می‌فرماید که شما را از زمین آفریدیم؛ ﴿وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^۲

(و به شما وظیفه دادیم که زمین را آباد بسازید.)

ویرانی زمین نه تنها کار نادرست است؛ بلکه تعمیر زمین، هدف و رسالتی است که خداوند از خلقت انسان، در روی زمین داشته‌است. به حدی که اسلام توجه به تعمیر زمین کرده، در هیچ دین دیگری چنین توجهی وجود ندارد. پیغمبر Y در حدیثی می‌فرماید:

﴿إِذَا قَامَتِ الْقِيَامَةُ وَيَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ فَلْيَزْعُهَا﴾^۳

یعنی اگر در لحظات آخری هم که بودی و دیدی که صور اسرافیل هم دمیده و قیامت قائم می‌شود؛ ولی در دست نهالی داری، و - طبعاً

۱. بخشی از آیه ۶۱ سوره مبارکه هود است که می‌فرماید: ﴿وَالِیْ تُمُوْدَ اٰخَاھُمْ صَالِحًا قَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَکُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَیْرُهٗ هُوَ اَنْشَاَکُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِیْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ ثُمَّ تَوْبُوْا اِلَیْهِ اِنَّ رَبِّیْ قَرِیْبٌ مُّجِیْبٌ﴾ (و به سوی [قوم] تمود برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت: ای قوم من، الله را پرستید، برای شما هیچ معبودی جز او نیست، او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد، پس از او امرزش بخواهید، آن‌گاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارم نزدیک [و] اجابت‌کننده‌است.)

۲. حدیث فوق در روایتی این‌گونه آمده‌است: ﴿اِنَّ قَامَتِ السَّاعَةُ وَيَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَاِنْ اسْتَطَاعَ اَنْ لَا یَقُوْمَ حَتّٰی یَغْرِسَهَا فَلْیَفْعَلْ﴾ (اگر قیامت در حال برپاشدن باشد و در دست یکی از شما، نهالی باشد، اگر توانست آن را قبل از قیام قیامت بکارد، پس بکارد). نگاه: مسند احمد، شماره حدیث: ۱۲۹۸۱.

بهار است - همین نهال را فوراً در زمین زرع بکن. این طور فکر نکنی که حالا قیامت شده و چند لحظه بعدتر، کل زمین از بین می‌رود. این حدیث مبارک به این معناست که شما نباید تحت هیچ بهانه‌ای دست از آبادی و تعمیر زمین بردارید.^۱

استاد شهید که در ایجاد ارتباط بین مفاهیم، دست بلندی داشت، مفهوم جهاد را با استناد با آیات و احادیث، به اصل تأمین امنیت ارتباط داده، علت ناکامی دولت‌مردان کشور را، در تأمین امنیت در این می‌داند که آنان در تأمین امنیت به عنصر سازنده ایمان فکر نمی‌کنند:

«...کسانی که به تأمین امنیت فکر می‌کنند، به اصل ایمان فکر نمی‌کنند. فکر نمی‌کنند که اصلاً امن در ایمان است. کسی که ایمان ندارد، امنیت ندارد. اگر مجاهدین در برابر روس‌ها پیروز شدند، کشور را از وجود قدرت‌های اتحاد شوروی پاک ساختند، امنیت را آوردند، این همه دستاورد، به علت این بود که در ضمیرشان، نیروهای ایمانی وجود داشت.»^۲

این خطابه با ملفت ساختن مجاهدین بر رسالت و مسئولیت‌شان و تشویق علمای دینی به امر تربیت دینی فرزندان مسلمان، پایان می‌یابد.

خطابهٔ چهل و چهارم؛

این خطابه در کنفرانس مجمع ملی جوانان افغانستان ایراد شده است. استاد شهید در این سخنرانی، بر اهمیت و ارزش عنصر جوان در یک جامعه، تأکید می‌کند و مربیان جامعه را متوجه مسئولیت خطیر خود می‌سازد و برای تبیین هرچه بهتر این موضوع اساسی، تعریفی را که از جوان ارایه می‌دارد بسیار بکر، فراگیر و ابتکاری است:

«جوان واقعی، انسانی است مستغنی؛ اما نه متکبر، شجاع و دلاور؛ اما نه بدرویه و بی‌لگام. انقلابی و یورشگر؛ اما نه تخریب‌کار و آشوب‌آفرین.

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۴۲ - ۴۳.

۲. همان، ص: ۴۳ - ۴۴.

جوان واقعی، انسانی است، عیار و ایثارگر، ظلم ستیز و مظلوم نواز.^۱ سپس از نظر تاریخی، نقش جوانان سازنده و انقلابی را، در چهره برترین الگوهای تاریخ بشر، از حضرت ابراهیم الی حضرت موسی P، اصحاب کهف و روزگار پیامبر خاتم Y، مرور می کند و همچنان جایگاه نسل جوان را در فرهنگ ملی و اسلامی با ایثارگری و عیاری ربط داده، آنان را در شرایط بسیار خطیر و مهم، متوجه مسئولیت شان می سازد و جهان متمدن امروز را در امر توجه به نسل جوان مقصر می داند. چون از نظر استاد، نخستین نهادی که یک جوان باید در آن سالم رشد کند، نهاد خانواده است و تمدن جدید بشری، نه تنها برای بالندگی خانواده در جهان معاصر کاری نکرده؛ بل باعث از هم پاشیدن نظام خانواده و اجتماع گردیده است.

خطابه چهل و پنجم؛

این خطابه، به مناسبت هفتمین سالگشت شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود ایراده شده است. استاد شهید در این خطابه، بسیار حماسی است و تعریفی که از جهاد ارایه می کند، به یقین که برای همه ماوشما تازگی دارد، ایشان می فرمایند:

« جهاد - اصلاً - به معنای ایجاد نظم و قانون و برای احیای ارزش های حقوق انسانی است. پس جهاد با این تعریف در فرهنگ اسلامی یک حرکت انسان ساز و حرکت آزادی بخش است که در برابر جنایت کاران و ستمگران انجام می یابد.»^۲

استاد با اشاره به ماهیت جنگ، جنگ را در اسلام یک امر ناگزیری می داند و معنای شهادت را که در این اواخر، به اثر حملات انتحاری در کشور، نزد بسیاری ها، خلط و ملتئیس شده است، بسیار صریح و روشن توضیح می دهد. این پاراگراف را دقیق بخوانید:

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۵۰.

۲. همان، ص: ۶۲.

«..شهادت هم در اسلام به معنای حمله انتحاری نیست، شهادت به معنای مظهرِ ایثار برای نجات دیگران است. حرکت‌های کورِ انتحاری که باعث کشتار کودکان، زنان و انسان‌های مظلوم می‌شود، شهادت نیست.»^۱

استاد در ادامه سخنان خود، نگاه گذرایی به عوامل تأثیرگذار در تحولات بزرگ، اشاره‌ای می‌کند و می‌گوید که تنها عوامل فرهنگی و فکری در تحولات، نقش ندارند. استاد این ادعای خود را به یک سخن از حضرت عثمان ~ مستند می‌سازد که ایشان فرموده بودند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَيَزَعُ بِالْسلطانِ مَا لَا يَزَعُ بِالْقُرْآنِ﴾^۲

(خداوند توسط قدرت سیاسی، تحولاتی را به وجود می‌آورد که تنها توسط خواندن قرآن کریم نمی‌توان به مردم انجام داد.)

در بخش دیگری این سخنرانی، استاد شهید با انتقاد از کارکردهای دولت حامد کرزی و عملی‌نشدن وعده‌های او در امر بازسازی و اعمار مجدد، رشته سخن را به موضوع قانونمندساختن حضور نیروهای خارجی در کشور پیوند می‌دهد و دیدگاه خود را بسیار روشن و واقع‌بینانه بازگو می‌کند:

«بحث قانونمندساختن حضور نیروهای خارجی در افغانستان و روابط افغانستان با کشورهای که با ما کمک و همکاری می‌کنند، می‌تواند در چارچوب روابط آینده ما مشخص شود؛ اما این بدان معنا نیست که ما خواسته باشیم، مانند شماری از گروه‌های درون و بیرون دولت، مردم را در برابر حضور نیروهای خارجی تحریک کنیم، یا با کمک و همکاری جامعه جهانی با افغانستان مخالف باشیم. ما حساسیت روابط افغانستان با همسایگان خود را می‌دانیم و باور داریم که با استفاده از تجارب سی سال اخیر، می‌توانیم این روابط را به بهترین حالت آن شکل

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۶۳.

۲. نگاه: شرح سنن ابی داود از عبدالمحسن العباد، ۲۳ / ۴۵۷.

بدهیم»^۱

استاد با توضیح دیدگاه خود در مورد حضور نیروهای خارجی در کشور و همچنان با ارایه برنامه‌های اصلاحی خود، در عرصه‌های مختلف، سخنانش را به پایان می‌رساند.

خطابه چهل و ششم؛

این سخنرانی، در دومین اجلاس اخوت اسلامی، در جمعی از علمای دینی به میزبانی رسانه‌ها، ایراد شده‌است. استاد در این اجلاس، عنصر سازنده اخوت اسلامی را مطرح می‌سازد که پیامبر اکرم Y در صدر اسلام با ایجاد چنین فرهنگی، توانست جامعه مستحکمی را بسازد که باطل از هیچ راهی بر آن نفوذ نداشته باشد. استاد اخوت اسلامی یا برادری دینی را، یکی از عوامل تأثیرگذار در ساختار دولت و ملت می‌داند؛ چون دولت‌ها از ملت‌ها تشکیل می‌شوند و در اندیشه استاد شهید:

«..عمیق‌ترین پیوندی که ملت‌ها را یکپارچه می‌سازد، پیوند دینی، اعتقادی، اخلاقی و همچنان پیوند سیاسی است»^۲

سپس استاد به «پیمان مدینه» اشاره می‌کند که بر اساس آن، تمام گروه‌ها در مدینه گردهم آمده بودند. رهبر شهید تمام اقشار جامعه، درکل ملت افغانستان را از فتنه اختلاف به‌دور می‌دارد و یادآور می‌شود که عنصر اختلاف در تاریخ اسلام، باعث پاشیدن خلافت اسلامی شد. رهبر شهید طرف‌های مسئول را هشدار می‌دهد که هشیار باشند؛ چون «جامعه ما از لحاظ هم‌بستگی ملی، سخت آسیب‌پذیر است»^۳

این خطابه با توضیح و تفسیر آیات و احادیث چندی در نکوهش اختلاف، به پایان می‌رسد.

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۶۸.

۲. همان، ص: ۷۴.

۳. همان، ص: ۷۷.

خطابهٔ چهل و هفتم؛

استاد شهید در سخنرانی‌ای که در مراسم افتتاح مسجد حضرت بلال ~ در ولایت پنجشیر داشتند، محور سخنان‌شان، اهمیت و نقش مسجد در تاریخ اسلام است. استاد اعمار مسجد را در اسلام به عنوان نخستین تهداب تمدن اسلامی دانسته و بنای مسجد را یکی از مسئولیت‌های زمامداران مسلمان می‌داند:

«مسجد در دین و در فرهنگ اسلامی ما، تجلی‌گاه عزّت و عَظَمَتِ مسلمانان است و مظهر یک پارچگی اُمّت اسلامی است. اولین بنایی که در جهان اسلام به دست پیامبر گرامی ما Y گذاشته شده، بنای مسجد است. آغاز تمدن اسلامی، آغاز تحوّل بزرگی که اسلام در جهان آورد، از مسجد شروع شد.»^۱

استاد در ادامه، نقش مسجد را در تمام عرصه‌ها، مهم ارزیابی می‌کند و در این باب از تاریخ اسلام، مثال‌های زنده‌ای را می‌آورد. به باور استاد شهید اگر مسجد حیثیت گذشته خود را دریابد، می‌تواند حتی: «مرکز اداره و رهبری، مرکز سیاست و فعالیت‌های نظامی، مرکز پخش ارزش‌های فرهنگی و خدمات اجتماعی..»^۲ باشد. استاد در این سخنرانی، سیاست را هنر ادارهٔ جامعه می‌داند و مسجد را مستقیماً با سیاست پیوند می‌دهد و چه زیبا می‌فرماید:

«آیا ممکن است ادارهٔ جامعه در مقدّس‌ترین مکان مورد بحث نباشد، آیا درست است بحث اداره و جامعه، نظم و ارزش‌های قانونمندی را از مقدّس‌ترین جا حذف کنیم؟!»^۳

نکتهٔ دیگری که در این سخنرانی بدان پرداخته شده و بسیار سودمند است، بحث امر به معروف و نهی از منکر است. تفسیر استاد از امر به

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۸۴

۲. همان، ص: ۸۴

۳. همان، ص: ۸۷

معروف و نهی از منکر، کاملاً متفاوت و اندیشمندانه است. استاد مسجد را جای امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و این دو مقوله‌ای را که در ذهنیت مردم عام بسیار کوییده شده است، چنین تفسیر می‌کند:

«مسجد - اصلاً - جای امر به معرف و نهی از منکر است. امر به معروف؛ یعنی اصلاحات اجتماعی، پخش و ترویج کارهای نیکو و اصلاح جامعه، نهی از منکر؛ یعنی مُبارزه با مفاسد و کارهای زشت. بهترین جایگاهی که این پیام به مردم باید برسد مسجد است. این جاست که نمی‌توان این حرف‌های نادرست را پذیرفت که دین از سیاست جداست.»^۱

این خطابه سراسر در تعریف و تمجید جایگاه و اهمیت مسجد است و استاد در مورد مسجد، به چیزهایی دست یافته که کم‌تر دانشمندی می‌تواند بدان برسد.

خطابه چهل و هشتم؛

این خطابه به مناسبت سالگشت شهدای حادثه پانزدهم عقرب، در بغلان ایراد شده است. استاد شهید ضمن تأکید بر پیگیری پرونده این حادثه، دولت را در زمینه تأمین امنیت ناکام می‌داند و تأکید می‌کند، باید ملت‌ها دست‌به‌کار شوند، جهان دچار تحولات عمیق و گسترده‌ای شده است. استاد می‌گوید:

«تحولات بین‌المللی اخیر، حرف‌های زیادی را بیان می‌کند. دنیای ما در مرحله جدیدی قرار گرفته است. دیروز چه حرف‌هایی گفته می‌شد، نویسندگان، پایان تاریخ را نوشتند و گفتند: نظام سرمایه‌داری آخرین نظام انسان‌هاست و هیچ نظام دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد؛ اما امروز ما می‌بینیم که نظام سرمایه‌داری دچار تزلزل شده است. آن مفکر و شخصیتی که تا دیروز کتاب پایان تاریخ را می‌نوشت، امروز می‌نویسد

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۸۷

که نظام سرمایه‌داری در حال سقوط است.»^۱

موضوع مهمی که در این سخنرانی مورد نظر استاد شهید بوده، همانا بحث عناصر تأثیرگذار در تحولات سیاسی و اجتماعی است. استاد با استناد با یک حدیثی صحیح البخاری که پیامبر اکرم Y در آن فرموده‌اند: ﴿هَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلَّا بِضَعْفَائِكُمْ؟^۲

(ای مردم! آیا نمی‌دانید که رزق و روزی و پیروزی‌های شما، توسط مردم مستضعف صورت می‌گیرد؟)

بسیار دقیق عناصر مؤثر در تحولات را تشخیص داده، سخنانش را با این پاراگراف پایان می‌دهد:

«یقیناً دهقان و کارگر، فقیر و شاگرد، عناصر تغییرند. امیدواریم - قسمی که در جهان امروز، زمزمه تغییر به‌عنوان یک واقعیت عملی در معادلات سیاسی و بین‌المللی مطرح است، در کشور ما هم این مسئله به‌عنوان یک مسئله جدی مطرح گردد و ما باید به خودباوری برسیم و اجازه ندهیم که سرنوشت ما توسط حلقات مرموز تعیین شود.»^۳

خطابه چهل و نهم؛

این خطابه به مناسبت سال گشت شهادت عبدالحی حقجو آمر عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت بغلان، ایراد شده است. استاد شهید بعد از یادآوری از خاطرات، رشادت و مبارزه شهید حقجو، شوق و رغبت او و دیگر مجاهدین را، در سخت‌ترین شرایط می‌ستاید. استاد در این سخنرانی به اشتباهاتی که بعد از پیروزی رخ داد، اشاره می‌کند و آن را یک امر تحمیلی و دسیسه دشمنان می‌داند. ضمناً توصیه می‌کند که «گروه‌بندی‌های سیاسی و فکری، نباید باعث کشمکش و برخوردهای مسلحانه شود.»^۴

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۹۷

۲. نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۸۹۶.

۳. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۹۹.

۴. همان، ص: ۱۰۷.

سپس مردم را به گرفتن کارت رأی‌دهی و اشتراک در انتخابات تشویق می‌کند و از نسل جدید می‌خواهد که در تحولات آینده، سهم فعال داشته باشند.

خطابه پنجاهم؛

این خطابه در کنفرانس بین‌المللی اخوت اسلامی افغانستان، ایراد شده است. استاد در این سخنرانی با بررسی بُعد تاریخی پدیده اختلاف در میان مسلمانان، انگیزه‌های اختلاف بین مسلمانان را در روزگار اموی‌ها، انگیزه سیاسی می‌داند و از جریان تقریب مذاهب که به ابتکار الأزهري و امام اکبر شیخ شلتوت و آیت‌الله بروجردی صورت گرفته بود، اظهار خشنودی می‌کند.

استاد در حالی که اختلاف را یک امر طبیعی می‌پندارد، می‌گوید: «ما باید شیوه اختلاف را از حضرت ابوبکر و عمر و عثمان و علی و انصار و مهاجرین T بیاموزیم» که دقیقاً اشاره استاد شهید به قضیه انتخاب جانشین پیامبر اکرم Y بعد از رحلت ایشان است. نگاه استاد به پدیده اختلاف، این است:

«اختلاف در میان انسان‌ها یک مسئله فطری است و در میان مسلمانان وجود دارد؛ اما اختلاف به معنای افتراق نیست. اختلاف به معنای آزادی تفکر در میان مسلمانان است، که یکی از امتیازات و برجستگی‌های اسلام است.»^۱

در ادامه استاد تأکید می‌کند که باید دولت‌ها و سیاست‌مداران، صدای تقریب را بلند کنند. چون تأثیرگذارترین عنصر در وحدت ملی یک کشور، عنصر دین است. به سبب آنکه دین مال مشترک همه مردم است؛ لذا هیچ عنصر نیرومندی نمی‌تواند در این باب مانند دین مؤثر واقع گردد.

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۱۱۷.

خطابه‌های پنجویکم، دوم و سوم؛

این سه خطابه، به مناسبت روز عاشورا در مسجد محمدیه و عیدگاه ایراد شده است. استاد شهید در این سخنرانی قیام امام حسین ~ را از زوایای مختلف بررسی می‌کند. استاد این حادثه تاریخی را بسیار موشگافانه بررسی و ریشه‌یابی کرده‌اند. لازم به یادآوری است که حادثه شهادت امام حسین ~ در تاریخ اسلام؛ یکی از تراژیک‌ترین حوادث است، که مؤرخان اسلامی اکثراً آن را از جنبه عاطفی بررسی کرده‌اند. در حالی که این رویداد، سرشار از پیام‌ها و آموختنی‌هاست؛ اما استنباط‌های استاد از این تراژدی تاریخی، به دور از هیجان، آن‌جا که خرد و عشق با هم آمیخته‌اند، بسیار کارشناسانه و رهگشاست. به طور فشرده نکاتی را که رهبر شهید در قیام امام برشمرده‌اند، با هم می‌خوانیم:

نخست؛ قیام امام برای کسب منصب و رسیدن به قدرت نه؛ بل برای اصلاح نظام فاسد و رژیم مستبد بوده است؛

دوم؛ «برای نجات مسلمانان، تنها قیام در برابر استعمار و تجاوز خارجی یک وجیه نیست؛ بلکه قیام در برابر استبداد داخلی هم وجیه عمده مسلمانان است.»^۱

سوم؛ حضور شخص امام در قیام، بیانگر این است که رهبران و پیشوایانی که ادعای الگوبودن دارند، باید از خودشان آغاز کنند؛

چهارم؛ «قیام‌ها را ملت‌ها به راه می‌اندازند؛ اما اصلاحات توسط زعامت‌ها به میان می‌آید.. یعنی هر قدر از فراز منبر برای مردم تبلیغ شود؛ تا قدرت اجرایی دست به کار نشود، کم‌تر قوانین پیاده می‌شود.»^۲

پنجم؛ نظام‌های فاسد و علمای متحجر همیشه برای جامعه اسلامی مصیبت‌بار بوده‌اند. چنانچه استاد شهید، این تراژدی تاریخی را به تراژدی‌های امروزی جهان اسلام بسیار ماهرانه ارتباط می‌دهد. نظام‌های استبدادی معاصر را به نظام استبدادی یزید مانند می‌کند و قیام‌های

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۱۴۰ - ۱۴۱.

۲. همان، ص: ۱۲۷.

آزادی بخش مسلمانان، از جمله جهاد و مقاومت رهایی بخش مردم مسلمان افغانستان و جهاد مردم مسلمان فلسطین علیه رژیم صهیونیستی را تداوم مبارزه اصلاح گرانه امام حسین ~ می داند.

خطابه پنجاه و چهارم؛

این خطابه، در مراسم فراغت دانشجویان دانشکده شرعیات دانشگاه کابل ایراد شده است. استاد شهید در این سخنرانی دانشجویان را متوجه مسئولیت سنگین شان می سازد. در این خطبه تأکید استاد شهید بر عنصر دانش و به کار بستن آن با پشتیبانی عمل، بسیار قابل توجه است. استاد دانشجویان شرعیات را به اهمیت و سنگینی رسالت شان ملفت می سازد و آنان را خشت سازنده بنیاد جامعه می داند و سخت تأکید می ورزد که باید دانشجویان شرعیات عناصر فعال، تأثیر گذار و مثبت جامعه باشند. باید رشته های دیگر دانش بشری توسط دانش آنان که پاسدار تمام مرزهای ارزشی است، رهبری شود؛ چون به باور استاد شهید:

«اگر دانش انسانی توسط علم دینی، فرهنگ و ارزش های انسانی کنترل نشود، علم بلای بزرگی است که انسان امروز را تهدید می کند.»^۱ استاد شهید در این روند گفتارشان، جهان متمدن امروز را مثال می آورد که چگونه با آن همه پیشرفت علمی شان، در برابر فاجعه انسانی در غزه و دیگر جاها، وجدان های شان تکان نمی خورد؟!

و همچنان استاد به آنان توصیه می کند، اصلاح گری از شخص، آغاز می شود؛ یعنی دانشجویان شرعیات بکوشند که نخست خودشان عناصر صالح باشند؛ تا در اصلاح جامعه مؤثر واقع شوند. به همین دلیل باید نخست هدف و سمت حرکت را تعیین کرد، باز حرکت نمود.

خطابه پنجاه و پنجم؛

این خطابه در گردهمایی جوانان جمعیت اسلامی افغانستان ایراد

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۱۶۹.

شده است. استاد شهید در این خطابه بسیار دل‌سوزانه درست مانند یک پدر مهربان و یک مربی دل‌سوز، خطاب به نسل جوان می‌گویند: «مجموعه‌های کوچک تا زمانی که به صورت هماهنگ کار نکنند، اثرگذار نمی‌باشند. مجموعه‌های کوچک نمی‌توانند در مسیر تحولات فعلی، اثرگذاری داشته باشند.»^۱

با این سفارش کوتاه این رهبر دردمند، از جوانان می‌خواهد که آماده پذیرش رسالت خود باشند. چون مطابق سنت معمول در تاریخ و هستی، باید نسل‌های گذشته رسالت خود را به آیندگان انتقال دهند. استاد شهید می‌فرماید:

«رسالتی را که نسل ما به‌دوش کشیده بود، از این به بعد مربوط به شماست، شما وارث برحق این ارزش‌هایید. وارث برحق این سرزمین‌اید. باید جایگاه خود را در رهبری و در عرصه تفکرات و اصلاحات اجتماعی در جامعه تثبیت کنید. از همین حالا باید کار را شروع کنید. وقتی فردا مصروف شدید، شاید نتوانید کار زیادی را به پیش ببرید. در این مرحله‌ای که علم می‌آموزید، باید در این مرحله خود را سازماندهی هم بکنید.»^۲

استاد شهید به نسل نو بسیار چشم امید دارند و آنان را یک نسل هوشیار و با فهم می‌دانند و هم، شرایط زندگانی آنان را هموارتر از شرایطی می‌داند که نسل گذشته به کار آغاز کرده بودند. استاد از دست‌به‌دست شدن یک کتاب در گذشته به دست صدها جوان یادآور می‌شوند و نسل جوان را بر استفاده از ابزارهای امروزی، به‌ویژه در عرصه اطلاعات، ترغیب می‌کنند.

استاد شهید رشته سخن را به پیش می‌کشند و انگیزه‌های کاری و فعالیت جوانان را دانه‌دانه می‌شمарند، مهم‌ترین شان، انگیزه اعتقادی، جوان‌بودن، قرارداد داشتن در برابر یک تهاجم فکری و فرهنگی و اینکه

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۱۷۷.

۲. همان، ص: ۱۱۷ - ۱۱۸.

نسل جوان وارث «مجموعه‌ای از افتخارات بزرگ تاریخی و ارزش‌هایند»^۱ استاد شهید جوانان را متوجه توطیه‌های دشمن می‌سازد و هیاهویی را که دشمن علیه جهاد و رهبران جهاد راه انداخته‌است، یک تهاجم فکری و فرهنگی می‌داند و تأکید می‌کند که جهاد برحق مردم مسلمان افغانستان «نه تنها در افغانستان بی‌نظیر بوده؛ بلکه در تاریخ جهان کم‌مانند است»^۲.

استاد شهید در این خطابه جوانان را به تاریخ کشورهای دیگر ملتفت می‌سازد که چگونه در آغاز شکل‌گیری‌های شما، با هم افتاده بودند. چه کشتارهای بی‌رحمانه‌ای نبود که انجام ندادند. مثلاً: «اروپا دو قرن تمام با یکدیگر جنگیدند»^۳ بعد از انقلاب کبیر فرانسه خون‌های زیادی در این کشور ریخته‌شد، حدود «۹۰» هزار تن که شمار زیادشان از انقلابیون بودند، سر بریده شدند. استاد شهید در ادامه سخنان‌شان، به کشتار ده میلیون انسان سرخ‌پوست توسط سفیدپوستان امریکای شمالی و جنوبی و همچنان به تاریخ جنگ‌های مسلحانه جهان غرب اشاره می‌کند که چگونه آنان روزهای جنایت‌شان را روز استقلال نامگذاری می‌کنند؛ اما مجاهدین را که یکی از بزرگ‌ترین حماسه را در تاریخ رقم زده‌اند، جنگ‌سالار می‌نامند..

خطابه پنجاه و ششم؛

این خطابه، به مناسبت تجلیل از قیام تاریخی سوّم حوت مردم مسلمان کابل، ایراد شده‌است. استاد در این سخنرانی قیام سوّم حوت را یک حماسه تاریخی و از افتخارات شکوهمند نسل جوان مسلمان می‌داند و جوانان را متوجه پیام‌های این قیام بزرگ می‌سازد. استاد در عین زمانی که از هجوم‌هایی که علیه ارزش‌های ملی و اسلامی صورت

۱. نگاه: خط رهبر، جلد چهارم، ص: ۱۸۰.

۲. همان، ص: ۱۸۲.

۳. همان، ص: ۱۸۲.

می‌گیرد، سخت انتقاد می‌کند، نسل جوان را نیز در قبال این حوادث مسئول می‌داند و هشدار می‌دهد که دیگر زمانِ دورهٔ کشمکش‌های مسلحانه گذشته است. نسل جوان ما باید از اندیشه‌ها و حرکت‌های افراطی و کارهای بی‌برنامه پرهیز کنند. جوانان باید به این فکر نشوند که تمام دروازه‌ها به روی‌شان بسته است و راه دیگر ندارند، جز اینکه به سمت گروه‌های انتحاری و گروه‌های افراطی بروند. با این طرز تفکر، نه خدا راضی می‌شود و نه به اسلام و ملت خود خدمت کرده می‌توانیم؛ زیرا حیات انسان در دین ما، بسیار باارزش است.

و پس به این فرمودهٔ پیامبر گرامی Y استناد می‌کنند:

«قسم به خدا! ویران کردن دنیا به نزد خدا کم‌اهمیت‌تر است؛ نسبت به اینکه یک قطره خون انسان بی‌گناه ریخته شود.»^۱

در پایان، استاد شهید بار دیگر نسل جوان را مخاطب قرار داده می‌گویند که نسل جوان باید در برابر قضایای سیاسی بی‌تفاوت نباشند. از خشونت پرهیزند و در ایجاد وحدت ملی سهم فعالی بگیرند.

خطابهٔ پنجاه و هفتم؛

این خطابه به مناسبت زادروز خُجستهٔ رسول آزادی Y ایراد شده است، این سخنرانی یکی از خطابه‌های تاریخی رهبر شهید است که در آن، با نگاه عمیق به تاریخ گذشتهٔ جهان و ربط آن به تحولات و دگرگونی‌هایی که بعد از برانگیخته شدن پیامبر عظیم‌الشان اسلام Y، رونما گردید، مسایل بسا بزرگی را از جنبه‌های عملی و واقعی زندگانی رسول اکرم Y استنباط و بازگو کرده‌اند.

استاد شهید بعد از آنکه رسالت پیامبر اسلام Y را رحمت برای جهانیان می‌خواند و آن را در تمام عرصه‌ها بسط و شرح می‌دهند، جایگاه انسان را در اندیشه‌ها و تمدن‌های قدیم بشری و تمدن اسلام

۱. منظور این حدیث مبارک است: ﴿لَزَوَالِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ مُؤْمِنٍ بَغَيْرِ حَقٍّ﴾ رواه ابن ماجه.

بررسی می‌کنند. نکته مهمی را که استاد شهید در این سخنرانی نشانه گرفته‌اند، همانا بررسی پدیده جهل فراتر از قلمرو جزیره العرب پیش از اسلام است؛ چون معمولاً وقتی که از جاهلیت سخنی به میان آید، فقط جاهلیت پیش از اسلام در جزیره العرب در ذهن‌ها، تداعی و تبادر می‌کند؛ اما رهبر شهید با دانش محیط خود بر تاریخ جهان قدیم و جدید، پدیده جهل و جاهلیت را به‌عنوان یک بیماری، از یونان قدیم، روم باستان، تمدن ساسانی، تمدن هند الی جزیره العرب، تجزیه و تحلیل می‌کند و نگاه تمدن‌های گذشته را به انسان، به‌ویژه قشر زن، یک نگاه ابزاری و غیر انسانی دانسته، ثابت می‌سازند که زن به‌عنوان یک انسان در تمدن‌های پیش از اسلام هیچ ارزشی نداشته‌است.

سپس جایگاه انسان را در رسالت و تمدن اسلام، توضیح می‌دهد و نمونه‌های بارزی از دگرگونی‌های عمیق را که به اثر تربیت و توجیه پیامبر آزادی^۱، در فکر و اندیشه و رفتار انسان‌ها به‌میان آمده بود، بیان می‌کند که حضرت عمر و «ربیع بن عامر^۲ V» نمونه زنده این تحوّل عظیم است.

رهبر شهید در ادامه با سخنان مستدل و منطقی خود، از دیدگاه اسلام تمام بشریت را عضو یک خانواده معرفی می‌کند و جامعه اسلامی را جامعه‌ای معرفی می‌کند که در آن تمام اقشار خانواده بزرگ انسانی، در کنار هم مسالمت‌آمیز زندگی خوش و آرام می‌داشته باشند.

خطابه پنجاه و هشتم؛

این خطابه در میان جمعی از مردم مجاهد و صلح‌دوست ننگرهار ایراد شده‌است. این خطابه استاد شهید که به زبان پشتو ارایه گردیده،

۱. ربیع پسر عامر پسر خالد پسر عمرو، عمر بن الخطاب او را بر پیش‌قراولان سپاهی گمارد که در عراق تحت فرماندهی ابو عبیده بن جراح بود. در جنگ نهاوند از او یاد شده‌است. هنگامی که احنف خراسان را فتح کرد، تخارستان را به او سپرد. نگاه: نگرش نو در فهم قرآن، ص: ۵۳.

محور سخنان‌شان صلح و نقش علمای دینی در آوردن صلح و بیداری مردم است.

استاد با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم Y که سیاست‌کردن را کار پیامبران می‌داند، علمای دینی را به نقش سازنده‌شان در جامعه تشویق می‌کند و اینکه باید آنان در عمق قضایا باشند و وارد میدان کارزارهای سیاسی گردند. مثل همیشه استاد در این خطابه نیز، نسل جوان را مدنظر دارد و از کارکشتگی نسلی که از میان دود جنگ و باروت به پا خاسته‌اند، سخن می‌گوید.

این سخنرانی با تذکر مجدد نقش علمای دینی در جامعه، به پایان می‌رسد، استاد شهید تأکید می‌ورزند که رسالت علما، تنها به سخن گفتن تمام نمی‌شود، باید ابتکار عمل را نیز به دست بگیرند.

سخنرانی صلاح الدین ربانی؛

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر امور خارجه کشور؛

مکان: کابل ستار؛

زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۴ هـ.ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * نَحْمَدُهُ وَنُصَلِّي عَلَى رَسُولِهِ الْكَرِيمِ؛ وَعَلَى آلِهِ
وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.^۱

تشکر می‌کنم از مهمانان گران‌قدر که امروز در دوّمین همایش
رونمایی آثار استاد شهید - که به همکاری و توسّط «مرکز تدوین آثار
رهبر شهید» برگزار شده‌است - تشریف آوردند.

چاپ آثار استاد شهید گامی است در راستای آشناسازی بیشتر
نسل جوان کنونی و نسل‌های بعدی ما، به سیرت عملی و اندیشه‌های
استاد شهید. استاد شهید پیش از اینکه یک کنشگر سیاسی باشد و به‌عنوان
یکی از بازیگران اصلی عرصه مُبارزهٔ سیاسی در دههٔ چهل و پنجاه و
بعداً رهبر جهاد و مقاوَمَت و دولت‌مردِ خردمند شناخته شود، آموزگار،
نویسنده و اندیشمند بود.

مُبارزه و سیاست‌ورزی استاد شهید نیز برخاسته از یک بستر
فرهنگی و فکری بوده و مُبارزه را بدون پشتوانهٔ فکری آغاز نکرده‌است.
استاد شهید دانش‌آموز مدرسهٔ عالی امام ابوحنیفه W بودند که پس

۱. به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان، خدا را می‌ستاییم و بر رسول گرامی، خانواده و همه یارانش،
درود می‌فرستیم.

از قرائت یک مقاله شیوا و خوب، به مناسبت میلادالنبی Y با شهید پروفیسور غلام محمد نیازی، رئیس دانشکده شرعیات وقت و استاد وفی الله سمیعی وزیر عدلیه وقت افغانستان، آشنا و در حلقه مبارزان و دعوتگران مطرح شدند.

این خیلی نکته مهم است که استاد از مجرای قلم، پژوهش و دانش وارد کارزار عرصه سیاسی می شود و تا اخیر، مبنای مبارزه استاد شهید را اندیشه ورزی، خردورزی، تدبّر و تعقل تشکیل می دهد. استاد شهید هیچ گاهی در تصامیم سیاسی اش از تعجیل کار نگرفت؛ بلکه تصامیم شان همیشه بر تفکر، تعقل و تدبّر استوار بوده است. همین توانایی ذاتی استاد در حوزه دانش و اندیشه بود که او بعد از پایان تحصیل وارد کادر علمی فاکولته شرعیات و پوهنتون کابل می شود و هنگام تحصیل در پوهنتون ازهر به عنوان یک شخصیت صاحب فکر و اندیشه در عرصه دعوت و مبارزه مورد توجه حلقات مبارزاتی اسلام در آن محیط نیز قرار می گیرد. شهید استاد برهان الدین ربانی، بعد از شهید استاد غلام محمد نیازی، به همه اعضای نسل اول «نهضت اسلامی» مستقیم و غیر مستقیم جایگاه استادی داشته اند و همگی به آن معترف اند.

پس از آنکه «نهضت جوانان مسلمان» در سال ۱۳۵۲ هـ ش، تحت نام «جمعیت اسلامی» دنبال کار منظم تر و فراتر از محیط های دانشجویی و علمی برآمد، شهید استاد نیازی با شناختی که از جایگاه علمی و توانایی فکری استاد شهید داشتند و همه اعضای نهضت نیز به همین باور بودند، او را به عنوان اولین امیر جمعیت اسلامی افغانستان انتخاب کردند.

من از «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» به ویژه از برادر گرامی ام آقای آماج رئیس این مرکز، ابراز امتنان می کنم که مشتاقانه در پی گردآوری و تدوین نوشته ها و آثار فکری استاد شهیدند. میراث و یادگار اصلی استاد شهید برای ما و نسل های بعد از ما، اندیشه های اوست و بیشتر از هر زمان دیگر، در شرایط کنونی نیاز به شناخت اندیشه های استاد شهید است.

حضار گرانقدر!

می‌خواهم امروز به دو مسئله‌ای که با هم از لحاظ مفهومی پیوند دارند و از میان میراث فکری استاد شهید برای امروز ما و کشور عزیزمان ارزش بس بزرگی دارند، اشارات گذرایی داشته باشم و از نسل جوان نیز می‌خواهم که آن‌ها را نصب‌العین و الگوی رفتاری خویش قرار بدهند. اول؛ **اعتدال‌گرایی و میانه‌روی** استاد شهید است. استاد شهید، از چیزی که در همه عرصه‌های زندگی‌اش خیلی دور بود و می‌خواست دور باشد، افراط و تفریط بود. او هیچ‌گاه در عرصه تفکر و اندیشه اسلامی، در عرصه مبارزه و در دوره جهاد و مقاومت اصل اعتدال را فراموش نکرد. او در عرصه تفکر اسلامی باور داشت که جوهر دین اسلام، اعتدال و میانه‌روی است و در اسلام نه افراط‌گری جای دارد و نه تفریط را می‌پذیرد.

استاد به همان گونه که در برابر خط انحرافی الحاد و تفریط مبارزه کرد، در برابر افراط‌گرایی نیز تا آخرین روزهای زندگی‌اش مبارزه و ایستادگی کرد. در عرصه مبارزه سیاسی طی دهه پنجاه خورشیدی، هیچ‌گاه میان خط تفریط سازش‌کاری در برابر وضعیت نامطلوب سیاسی همان وقت و خط افراط‌گرایانه‌ای که خواهان براندازی بود، حد اعتدال را که مبارزه برای اصلاحات بود، فراموش نکرد. با وجود برخورد خصمانه حکومت وقت، در برابر جمعیت اسلامی و بازداشت اکثر رهبران، استاد شهید تا آخر کوشید که نظام سیاسی وقت، بر سر عقل بیاید و از سقوط جامعه و کشور در دام بلای استبداد کمونیسم جلوگیری کنند؛ اما متأسفانه نظام وقت آن پیام‌های خیرخواهانه را درک نکرد و با روش خصمانه‌اش در برابر نهضت اسلامی ادامه داد؛ تا اینکه همه پیش‌بینی‌های استاد شهید، حقیقت از آب برآمدند و رهبری نظام به شکل بی‌رحمانه‌ای نابود گردید.

در همین دوره، استاد شهید حتی در برابر لغزش یارانش در خط افراط نیز سکوت نکرد و در برابر حرکت‌های افراطی ناشیانه و

ناسنجیده‌ای که عواقب زیان‌بار برای «نهضت و جمعیت اسلامی» داشت، بی تفاوت باقی نماند.

پس از پیروزی جهاد و شکست کمونیسم اشغالگر، در کنار مداخلات بیرونی، استاد با پدیده افراط‌گرایی روبه‌رو شد. خیلی از دوستان آگاهی دارند که در دهه هفتاد خورشیدی و هنگام ظهور طالبان، یک هیئت از گروه طالبان نزد استاد شهید که رئیس دولت اسلامی افغانستان بودند، آمد و یک درخواست داشت:

«اگر استاد رفتن دختران و زنان را به مکتب و دانشگاه و کار بیرون از خانه را در ادارات دولتی، را منع کند، این‌ها هیچ مشکل دیگر با دولت اسلامی نخواهند داشت.»^۱

البته این هیئت از طرف طالبان آمده بود؛ بلی به رهبری مولوی ذاکری؛ اما استاد می‌دانست که افسار این‌ها در دست این‌ها نیست و با توجه به اینکه خواست آن‌ها غیر اسلامی و یک تعبیر انحرافی از اسلام

۱. استاد شهید، داستان را این‌گونه بیان می‌کند: ..در روزهایی که تازه طالبان در حالت تشکیل بودند و هنوز تحت پروگرام بعضی از کشورهای خرد و بزرگ بودند و می‌خواستند این پروژه را عملی بکنند. تعدادی از علما و بعضی از رهبران قومی و شماری از شخصیت‌ها از جنوب افغانستان و از بعضی ولایات دیگر که در رأس‌شان مولوی ذاکری بود، پیش من به ارگ ریاست جمهوری آمدند و مولوی ذاکری به من گفت:

استاد ربانی! ته خو تاجک یی او مونږ پښتانه یو، زموږ د مذهب امام، امام اعظم تاجک وو، مونږ خپل امام ته تابع یو، ته زموږ د سیاست امام یی، مونږ تاته تابع یو، ستاسو اطاعت کوو، ستاسو د حکومت دوام لپاره وینی ورکوو، پیسی درنه نه غواړو، له تاسو نه دفاع کوو، له تاسو وروسته چی ستاسو زوی پاچاشی، له هغه به هم دفاع وکړو، خو ستاسو څخه یو شی غواړو بس، هغه دا چی د نجونو مکاتب و تره او ښځې له دفترونو څخه وباسه!

گفتم: مولوی صاحب!

راځی چی د شریعت خبری وکړو، ماته شرعی دلیل راوړه، زه شریعت ته تابع یم وایی چي: استاده! دا کار وکړه څه ځان په دي غم مبتلا کوی، دا خلک وباسه

باز من گفتم: شرعی دلیل چی نوی څه نه شمه کولی.

باز گفتم: لمن دي نیسو. (عذر تان می‌کنم، دامت را می‌گیریم.)

گفتم: بیا درته وایم چی: لمن نیول او عذر نه غواړم، زه شرعی دلیل غواړم.

گفتم: درسره جنگیرو (همرایت می‌جنگیم.)

گفتم: اختیارت.

ما که در آن روزها، از این مسئله با قاطعیت دفاع کردیم و در نتیجه بالای ما حمله کردند و حکومت ما از بین رفت؛ ولی ما از ارزش‌ها نگذشتیم.. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۱۳۹.

عزیز است، با بسیار قاطعیت آن را رد کرد. استاد تا آخر در برابر این افراطیت که سبب بدنامی اسلام می‌شد، ایستاد و در آخرین روزهای زندگی‌اش نیز از علمای جهان اسلام خواست، تا علیه این گروه‌های بی‌خبر از دین و افراط‌گرایان تکفیری موضعی روشنی را در میان امت مسلمه بگیرند. این درس مهمی است که باید در میان نسل نو افغانستان تبلیغ شود و نگذاریم که این نسل در دام افراط و تفریط بیفتد و غرق شود.

موضوع دیگری که در اندیشه‌های استاد شهید برای امروز ما نیاز است؛ تا مورد توجه قرار گیرد، **عدالت‌خواهی** استاد شهید است:

استاد شهید عدالت در جامعه را اساس بقای جامعه می‌دانست، او مبارزه‌اش را برای عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی و علیه استبداد آغاز کرده بود، استاد شهید نه تنها به هیچ‌گونه برتری و تفوق‌طلبی قومی، سمتی، زبانی و مذهبی باور نداشت که از آن‌ها متنفر بود.

استاد همیشه تأکید داشتند که هیچ‌گروه، قوم و سمتی در جامعه بر گروه و سمت و قوم دیگری، برتری ندارد و باید به فرد فرد جامعه به‌عنوان شهروندان مسئول و متساوی‌الحقوق نگاه شود.

استاد شهید به شدت مخالف تفوق‌طلبی، نفی و انکار یک گروه و مجموعه، توسط گروه و مجموعه دیگر بود و آن را ظلم و ناروا می‌پنداشت. او به جای این تفکرات مسموم‌کننده، به مشارکت همگانی شهروندان در همه عرصه‌ها، همگرایی و هم‌سویی گروه‌ها در مسایل کلان و منافع ملی باور داشت و به شدت برای آن کار می‌کرد. این درس دیگری از اندیشه‌ها و سیرت عملی استاد شهید است که باید نسل جوان ما با آن توجه کنند. نسل جوان به جای افتادن در دام ستمگری و ستم‌پذیری و قرارگرفتن در جایگاه ظالم‌بودن و مظلوم‌بودن باید دنبال تطبیق عدالت، در جامعه، کشور و نظام باشند. نگذارند که افراد و گروه‌های منحرف جامعه را به سمت زیر پا شدن عدالت اجتماعی، آزادی انسانی و برابری حق شهروندی سوق بدهند که - خدای ناخواسته -

عواقبش برای همگی بسی دردناک است.

در اخیر یک بار دیگر از حضور همه شما ابراز امتنان می‌کنم و به
همکاران «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» نیز موفقیت‌های بیشتر می‌خواهم.
﴿وَاٰخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

دعايۀ مولوی شفیع اللہ نورستانی؛
دوّمین رونمایی برخی از آثار رهبر شهید؛
مکان: کابل ستار؛
زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۴ هـ. ش.

حَامِدًا وَنُصَلِّيًّا؛ اَمَّا بَعْدُ؛
 فَأَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيْمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ * بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
 الرَّحِيْمِ؛
 ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ..﴾^۱

صَدَقَ اللّٰهُ الْعَظِيْمُ.

د افغانستان د اسلامي جمعيت رهبر او د افغانستان د اسلامي جمهوريت محترم وزير صاحب! او د استاد شهيد ټول همفكران او هم مکتبيانو، هم سنگرانو په حضور سفر کې ملگرو په اجازت ټولو ته سلام، د هغې نه روسته ماته د عايبه راکړ شوی ده، او په ضمن کې يو دوه کلمې هم اجازت راکړ شوی ده، چې زه ووايم.

قدرمندو مشرانو ورونو! او خويندو!

تاسو ته به تره معلومه ده شهيد استاد «رحمه الله رحمة واسعة ونور الله مرقده» هغه شخصيت وه چې د دې لپاره چې افغانان يو مټي وي د شرق نه تر غربه پوري او د جنوب نه تر شماله پوري، ټول افغان مسلمانان يو مټي شي د هغې په خاطر خپل هغه خوگ ژوند د لاسه ورکړ او د شهادت جام شهادت

۱. شوری / ۳۸. ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ (و کسانې که [ندای] پروردگارشان را پاسخی [مثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میان شان مشورت است و از آنچه روزی شان داده ایم، انفاق می کنند).

نوش جان کی.

تاسوته بهتره معلومه ده، شهید استاد یقیناً د سولی د پاره هغه قدمونه اوچت کړی دی چی هغه د هیخ افغان مسلمان له یاده نه وخی، د شهید استاد حرکت یوه فردی نه؛ بلکه ملی وه منطقوی وه بالاخره بین المللی وه، تاسوته بهتره معلومه ده په دغه وروستی لمحو کی خو کالو کی شهید استاد ددی دپاره چی افغانستان له دی ستونزی او مشکل خخه خلاص شی، او افغانان ټول سره یو شی نو هغی ملی سفرونه او منطقه ای سفرونه بین المللی سفرونه وکړل، او ډیر د پام وړ لاسته راوړني درلودی او کله چی راوگرځید، ورونو مخکی قانونی صیب ډیر بنایسته خبره وکی یقیناً ټول ملگرو د شهید استاد د شیوونه د طرز العمل نه یو بهترین طرز العمل دا وه چی هر حادثه یا واقعه چی راخی خپل مخلصین ملگری به را جمع کول مشوری به کول، خو چون رهبر وه نو مشوری نه بعد خپل اراده خپل عزم هم د خپل وه، لکه څنگه چی؛ **اللّٰهُ رَبُّ الْکَرِیْمِ** فرمایي:

أَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ * بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿وَسَآوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾^۱

د سولی د عالی شورا د ریاست منلو لپاره هیچ چاهم مشوره ورنکړه دغه موضوع کی د سولی د عالی شورا د ریاست قبول کبسی؛ مگر شهید استاد وضعیت یی مطالعه کړی وه استاد په آرمانانو کبسی مهم آرمان دا وه چی افغان مسلمانان ټول باید یو متبی شی د دغه په خاطر باندی خپل ځان قربانی ته ورکړ، او دغه ریاست ته قبول کړل او تاسو بهتره معلومه

۱. آل عمران / ۱۵۹. ﴿فَیْمَا رَحِمَهُ مِّنَ اللَّهِ لَنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَسَآوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ (پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند، پس از آنان درگذر و برای شان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد).

ده استاد شهید د دغه نهاد نوم هم ماته بڼه یاد دی له د استاد دغه وروستنی لمحو کښی بلا واسطه مستقیم دیارلس کاله د استاد د تلمذ شرف ماته حاصل دی ماته یاد دی استاد شهید په هر کله هم چی سفر کول نو سفر بدایه نه ترنهایه پوری تلاوت د کلام پاک به کول، نو هغه جناب حاجی آغا کوم پیام جمعیت د پاره وه، ولوستل نوزه هم د هغی تأیید سره هغه تطبیق کوو.. استاد شهید د خپل ژوند کی تطبیق کړی وه او مونږه شاگردان به - إن شاء الله - همغه په خپل ژوند کښی به رای په خپل مشعلی راوگرځوه.

دعا به کوو.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ آمین
﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾^۲

یا ایلهرب العالمینه! دا کوم ټولنه د مسلمانانو چی دلته راغوند شوی د استاد شهید په یادونکی دوی ذکر جمیل د استاد شهید وکړل یقینا دا هغه اذکار وه دا هغه یادونی وی چی د استاد شهید د باقیات الصالحات په شکل باندی مونږته پاتی شوی دی، دا د ټول یادونی او دا دعاگانۍ دا ختمونه چی د استاد شهید پسی کیږی، الله رب الکریم د هغه د میزان عمل کښی واچوی او جنت فردوس د هغوی نصیب کښی

۱. ترجمه آیات سورة مبارکه فاتحه: (ستایش خدا را که پروردگار جهانیان، [خداوند] رحمتگر مهربان، مالک [و پادشاه] روز جزا [است]، [بار الها] تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم، به راه راست ما را راهبر باش، راه آنهایی که برخوردارشان کرده ای، همانان که نه درخور خشم اند و نه گمگشتگان.)

۲. نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۳۳۷۰.

وگرځوی یا رب العالمین دا زموږه دعا ټول د نړۍ د شهداو
 د پاره او د افغانستان د شهداو د پاره بالخصوص استاد
 شهید د پاره موږه کوو چی الله ورته جنت الفردوس نصیب
 کړی بازماندگانوته صبر او توفیق نصیب ورکړی، او د هغوی
 همسنگرانو هم مکتبانوته توفیق ورکړی چی د هغی اهداف د
 هغی پلانونه د هغی څخه خاص چی کوم مصلحتونه په نظر کی
 وه هغه د تطبیق د پاره توفیق ورکړی.

وصلی الله علی خیر خلقه محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین

رویکردها

◆ قرآن کریم؛

◆ آریانفر: دکتور شمس الحق آریانفر؛

- شخصیت های کلان افغانستان، نوبت چاپ: دوم، سال چاپ، ۱۳۹۱

هـ ش، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛

◆ آشتیانی: عباس اقبال آشتیانی؛

- تاریخ ایران بعد از اسلام؛

◆ ابن الأثیر؛

- أسد الغابة فی معرفة الصحابة؛

◆ ابن سعد: محمد بن سعد؛

- الطبقات الكبرى، الجزء الثانى، الطبعة الأولى، دارالفکر، بیروت -

لبنان؛

◆ ابن ماجه: محمد ابن ماجه؛

- سنن ابن ماجه؛

◆ أحمد: أحمد بن محمد بن حنبل؛

- المسند؛

- ◆ اسلام‌نیا: فریدون اسلام‌نیا؛
- تاریخ ایران بعد از اسلام؛
- ◆ اقبال لاهوری: محمّد اقبال لاهوری؛
- کلیّات اقبال لاهوری، ناشر: سپهر شمس، نوبت چاپ: هشتم، تاریخ انتشار، ۱۳۸۸ هـ ش، محل نشر: تهران، ایران؛
- ◆ انصاری: سلطان محمّد انصاری؛
- جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، نوبت چاپ: اوّل، سال چاپ: ۱۳۹۴ هـ ش، ناشر: انتشارات بین‌المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛
- ◆ البخاری: محمّد بن اسماعیل بخاری؛
- صحیح البخاری، دارابن کثیر: بیروت - لبنان، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ هـ ق؛
- ◆ بختیاری: سعید بختیاری؛
- اطلس جامع گیتاشناسی، چاپ: اوّل، سال چاپ: ۱۳۹۴ هـ ش، ناشر: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ◆ حافظ شیرازی: خواجه شمس‌الدین محمّد حافظ شیرازی؛
- دیوان حافظ شیرازی، ناشر: نگاران قلم، نوبت و تاریخ چاپ: بهار ۱۳۸۴ هـ ش، محل چاپ: قم، ایران؛
- ◆ حامد: مرتضی حامد؛
- قهرمانان آزادی و استقلال، ناشر: دفتر مرکزی نهضت هم‌بستگی جوانان افغانستان، سال نشر: ۱۳۸۵ هـ ش، چاپ: مطبعة احمدی، چهارراهی صدارت، کابل، افغانستان؛
- ◆ حمیدی نیا: حسین حمیدی نیا؛
- جغرافیای افریقای جنوبی، نشر: تهران، ۱۳۸۹ هـ ش؛
- ◆ دهخدا: علی‌اکبر دهخدا؛
- لغت‌نامه دهخدا؛
- ◆ ربانی: پروفسور برهان‌الدین ربانی؛

- محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: دوم، ۱۳۹۰ هـ ش، چاپخانه: مطبعه شیر؛
- ♦ ربانی: شهید پروفسور برهان الدین ربانی؛
- پیغام رهبر، عنوان فرعی: پیام‌هایی از رهبر شهید، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، سال چاپ: ۱۳۹۴ هـ ش، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ♦ ربانی: شهید پروفسور برهان الدین ربانی؛
- خط رهبر، جلد چهارم، عنوان فرعی: مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۷ رهبر شهید، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، سال چاپ: ۱۳۹۴ هـ ش، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ♦ ربانی: شهید پروفسور برهان الدین ربانی؛
- یادى از دو شهید، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، سال چاپ: ۱۳۹۴ هـ ش، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- ♦ ربانی: شهید پروفسور برهان الدین ربانی؛
- خط رهبر، جلد اول، چاپ نخست: ۱۳۹۱ خورشیدی، ناشر مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپخانه: مطبعه شیر؛
- ♦ سراج: قاضی منہاج سراج؛
- طبقات ناصري؛
- ♦ العباد: عبدالمحسن العباد؛
- شرح سنن أبی داود؛
- ♦ علی بابایی: غلام‌رضا علی بابایی؛
- فرهنگ سیاسی آرش، سال چاپ: ۱۳۸۷ هـ ش، چاپ سوم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران؛
- ♦ غزالی: محمدغزالی؛
- نگرش نو در فهم قرآن؛ مترجم: داود نارویی، ناشر: نشر احسان، نوبت چاپ: دوم، ۱۳۸۶ هـ ش، چاپخانه: مهارت، محل نشر: تهران، ایران؛
- ♦ فرهنگ: میر محمد صدیق فرهنگ؛

- افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول و دوم، به کوشش محمدابراهیم شریعتی، ناشر: انتشارات عرفان، چاپ: بیستم، بهار ۱۳۸۸ هـ ش؛
- ◆ کامگار: دکتور جمیل الرحمن کامگار؛
- کروئولوژی حوادث تاریخی افغانستان، سال چاپ: ۱۳۸۲ هـ ش، نوبت چاپ: دوم با اضافات، ناشر: بنگاه انتشارات میوند؛
- ◆ ماندلا: نلسون ماندلا؛
- زندگی نامه خودنوشت نلسون ماندلا؛ ترجمه علی رضا جباری آذرنگ، چاپ اول ۱۳۹۲ هـ ش، انتشارات: قطره، محل نشر: تهران، ایران؛
- ◆ منشوری از مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- نگاهی به آثاری از استاد شهید، عنوان فرعی: چند نیشته در مورد آثار و شخصیت استاد شهید، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، سال چاپ: ۱۳۹۴ هـ ش، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
- افریقای جنوبی در یک نگاه، ناشر: سفارت جمهوری اسلامی ایران - پرتوریا؛
- مجله المجاهدون، ۴۶، العدد: ۱۸، رمضان ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م؛
- هفته نامه مجاهد؛ ص: ۳، دور ششم، سال هفتم، شماره ۲۸ و ۳۰ قوس ۱۳۸۷ هـ ش؛
- هفته نامه مجاهد؛ ص: ۲-۷، دور ششم، سال ششم، شماره ۲۵، شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۸۶ هـ ش؛
- هفته نامه مجاهد؛ ص: ۵، دور ششم - سال دوازدهم - شماره ۳۶، ۳۰ قوس ۱۳۹۲ هـ ش.